

تعهد ما

سخنرانی‌های مریم رجوی در گردهمایی جهانی ایران آزاد

۳۰-۲۷ تیر ۱۳۹۹

و

سخنرانی در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران

تعهد ما

سخنرانی‌های مریم رجوی در گردهمایی سه روزه جهانی ایران آزاد

و سخنرانی در اجلاس شورای ملی مقاومت ایران

شماره ثبت: ۱-۰۳-۴۹۱۶۱۵-۲-۹۷۸

تاریخ انتشار: مرداد ۱۳۹۹

انتشارات شورای ملی مقاومت ایران

فهرست مطالب

- گردهمایی جهانی ایران آزاد صفحه ۴
- سه تعهد بزرگ مقاومت و ارتش آزادی صفحه ۶
- ثبت سخنرانی مریم رجوی در روزنامه رسمی کنگره آمریکا صفحه ۲۰
- دادخواهی شهیدان و حسابرسی از رژیم ایران صفحه ۲۴
- تروریسم جان‌مایه فاشیسم دینی صفحه ۴۰
- شورای ملی مقاومت ایران، جایگزین دمکراتیک صفحه ۵۲
- طرح ده ماده‌یی مریم رجوی برای آینده ایران صفحه ۷۴

گردهمایی جهانی ایران آزاد

همبستگی با قیام مردم ایران، حمایت از کانون‌های شورشی و ارتش آزادی

روز جمعه ۲۷ تیرماه ۱۳۹۹، گردهمایی جهانی ایران آزاد، ارتباط زنده با ۳۰ هزار نقطه در ایران و ۱۰۰ کشور جهان با مجاهدین در اشرف ۳ برگزار شد. گردهمایی جهانی ایران آزاد، در آستانه ۳۰ تیر، سالگرد قیام تاریخی مردم ایران علیه ارتجاع و استعمار، برای بازگرداندن دولت ملی و دمکراتیک دکتر محمد مصدق در سال ۱۳۳۱ و هم‌چنین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت تنها جایگزین مستقل و دمکراتیک در سال ۱۳۶۰ با شرکت ۱۰۰۰ شخصیت بین‌المللی برگزار شد.

در این گردهمایی خانم رجوی در باره سه تعهد بزرگ مقاومت و ارتش آزادی



سخنرانی کرد.

علاوه بر اجلاس اصلی در روز ۲۷ تیرماه، دو اجلاس دیگر نیز طی روزهای ۲۹ و ۳۰ تیر نیز برگزار شد.

در دومین اجلاس ایران آزاد، خانم رجوی تحت عنوان دادخواهی شهیدان و حسابرسی از رژیم آخوندها سخنرانی کرد.

در سومین اجلاس که با عنوان «تروریسم رژیم ایران - سفارتخانه‌های رژیم را ببندید و مامورانش را اخراج کنید، خانم رجوی سخنانی خطاب به پارلمان‌ترها و شخصیت‌هایی که از اروپا و آمریکا و همچنین آلبانی به این گردهمایی پیوسته بودند، ایراد کرد.

متون این سخنرانی‌ها در صفحات بعد از نظر شما می‌گذرد.



سه تعهد بزرگ مقاومت و ارثش آزادی



سرنگونی آخوندها

حاکمیت و رأی جمهور مردم

آزادی و عدالت اجتماعی

سخنرانی مریم رجوی در گردهمایی جهانی ایران آزاد





هم‌میهنان عزیز،

جوانان شورشگر و کانون‌های شورشی،

به همه شما درود می‌فرستم. به‌خصوص به شه‌شهیدان، به مردم به‌پاخاسته بهبهان و هم‌چنین میلیون‌ها هموطن برانگیخته و غیرتمند که علیه احکام ضدانسانی اعدام جوانان قیام با توفان عظیم توییت و اعتراضات گسترده اینترنتی، سد بستند. بله، لرزه‌های آبان آتشین، حکومت آخوندها را رها نکرده و نمی‌کند. به‌همین دلیل قضایه جلادان از ترس قیام‌های کمین‌کرده، به صدور حکم اعدام برای دستگیرشدگان آبان رو آورده است. ولی ثابت شد که به ضد خودش نتیجه می‌دهد. با صمیمانه‌ترین تقدیرها از شما اعضای مقاومت و یاران اشرف‌نشان که از هزاران نقطه از ۵ قاره جهان در این کنفرانس حضور یافته‌اید و قدردانی می‌کنم از قانون‌گذاران و صدها شخصیت سیاسی که از سراسر جهان به‌گردهمایی ایران آزاد پیوسته‌اید.



صدای کانون‌ها و شهرهای شورشی

این گردهمایی صدای مقاومت ۴۰ ساله مردم ایران علیه دیکتاتوری و فاشیسم دینی برای آزادی و دموکراسی است. صدای بزرگترین، طولانی‌ترین، بغرنج‌ترین و خطرناک‌ترین مقاومت سازمانیافته در تاریخ ایران با رود خروشان خون شهیدانش و با آوای بلند مجاهدان قتل‌عام‌شده و ایستاده بر سر موضع در برابر سفاک‌ترین حاکم خونریز. این گردهمایی، صدای سرنگونی در قیام‌های پیوسته از دی ۹۶ تا آبان و دی ۹۸ است. خروش براندازی در پایان شعبده «اصلاح‌طلب-اصولگرا» برای حفظ همین رژیم است.

صدای کانون‌های شورشی و شهرهای شورشی است که تاریخ یأس و ناباوری و نتوانستن را ورق زده و پیام‌آور توانستن و بایستن است.

گردهمایی امروز، میهن اسیر را در سه‌سیمای خجسته‌اش نمایندگی می‌کند: ایران شورشگر و انقلابی، ایران همبسته و متحد، و ایران آزاد و دموکراتیک فردا.

سه تعهد بزرگ مقاومت و ارتش آزادی

گردآمده‌ایم برای تاکید بر تعهدات بزرگ و تاریخی که بر دوش گرفته‌ایم؛
تعهد اول این است که ما مردم ایران، ما مقاومت ایران، این رژیم را سرنگون می‌کنیم
و ایران را پس می‌گیریم.

تعهد دوم ما این است که ما مردم ایران، ما مقاومت ایران، ایران دموکراتیک و آزاد
را بنا می‌کنیم و تعهد سوم ما این است که به حاکمیت و رأی جمهور مردم وفادار
باشیم. نه در پی دستیابی به قدرت به هر قیمت، بلکه در پی برقراری آزادی و عدالت
به هر قیمت باشیم. هرگز به دیکتاتوری شاه و شیخ برنگردیم و هم‌چنان که اکثریت
قانون‌گذاران منتخب مردم در آمریکا و اروپا خاطرنشان کرده‌اند، در پی برقراری یک
جمهوری دموکراتیک، غیرمذهبی و غیراتمی باشیم.



قیام‌ها: الگوی درخشانی از عملیات بزرگ سرنگونی

امروز زمین و زمان فریاد می‌زند که رژیم ولایت فقیه در موقعیت سرنگونی است. هر چند ویروس فاشیسم دینی (ولایت فقیه) و ویروس متحد آن کرونا دست به دست هم داده‌اند تا مردم و جامعه ما را مایوس و منفعل کنند، اما در توفان آبان به چشم دیدیم که آتش قیام‌ها به ناگهان در ۹۰۰ نقطه کشور شعله‌ور شد و الگوی درخشانی از عملیات بزرگ سرنگونی خلق کرد.

این قیام‌ها از دی ۹۶ تا آبان و دی ۹۸، در پی اصلاح رژیم نیست؛ حرفی با آخوندها ندارد؛ چیزی از آن‌ها نمی‌خواهد؛ بلکه می‌خواهد حکومت‌شان را سرنگون کند. نسلی که در بحبوحه قیام این‌چنین می‌خروشید: «مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر» و شعار می‌داد: «نه شاه می‌خواهیم نه رهبر، نه بد می‌خواهیم نه بدتر». نسلی که «پشت به دشمن، رو به میهن» می‌گوید: «دشمن ما همین جاست دروغ می‌گن آمریکاست».

بله این نسل کابوس شبانه‌روزی آخوندهاست. آن‌ها با نسل شورشگری رو به رو شده‌اند که در برابر آن ضربه‌پذیرند.

مقاومت ایران با گزارش‌های دقیق و مستند عدد ۱۵۰۰ شهید را در قیام آبان، به ثبت داد. اما واقعیت بیش از این‌هاست. انبوه اسناد افشاشده توسط کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت از سازمان اورژانس کشور که فقط اندکی از بسیار، آن‌هم فقط در تهران است، این را ثابت می‌کند.

از این قیام‌ها، پاسداران سیاسی، مبلغان، لابی‌ها و ریزه‌خواران ولایت فقیه نیز، همه مات شدند. زیرا تمام رشته‌های فریب و دروغ‌شان پنبه شد.

می‌گفتند دیگر متصور نیست که مردم ایران به قیام و انقلاب برای سرنگونی دست بزنند. می‌گفتند تحولی در ایران رخ نمی‌دهد مگر از درون همین رژیم. و بارها این پندار آخوندساخته را تکرار می‌کردند که مجاهدین پایگاهی در میان مردم ندارند. در جستجوی مجاهدین جوان و نوجوان بودند که به‌ناگاه جاری شدن سیل‌آسای آن‌ها را در خیابان‌های شهرهای سراسر ایران به چشم دیدند و وقتی کار به دستگیری دانشجویان پیشرو و پیشتاز رسید، دیگر برنتابیدند.

این که آخوندها و خیل بازجوها و مستخدمان‌شان این طور علیه مقاومت و



مجاهدین افسار گسیخته‌اند، به‌همین دلیل است. آن‌ها رژیم‌شان را در موقعیت سرنگونی می‌بینند و از این واقعیت به‌خود می‌پیچند که قیام‌ها و جوانان شورشی مسیر و استراتژی مجاهدین را در پیش گرفته‌اند.

یک نیروی سرنگون‌کننده در دل شهرهای ایران

آتشفشان آبان همه اباطیل را بریاد داد. اثبات شد که برانگیختن و سازمان‌دادن قیام‌ها ممکن است. اثبات شد که به‌رغم همه سرکوب‌ها و جنایت‌ها، مردم ما آمادگی خیره‌کننده‌یی برای استمرار قیام‌ها دارند.

اثبات شد که توده مردم به ویژه زحمتکشان و مردم تهیدست و جوانان، رودرروی رژیم ایستاده‌اند و اثبات شد که یک نیروی سرنگون‌کننده در دل شهرهای ایران

”

تعهد اول این است که ما این رژیم را سرنگون می‌کنیم و ایران را پس می‌گیریم.
تعهد دوم ما این است که ما مردم ایران، ما مقاومت ایران، ایران دمکراتیک و آزاد
را بنا می‌کنیم و

تعهد سوم ما این است که نه‌در پی دستیابی به قدرت به‌هر قیمت، بلکه در پی
برقراری آزادی و عدالت به هر قیمت باشیم

سربرداشته است. همان که وزیر کشور رژیم، آن را نیروی رزمنده‌یی در مقیاس ۶۰۰ هزار نفر ارزیابی کرد که در قیام آبان به‌گفته او مراکز رژیم را پی‌درپی درهم می‌کوبیدند.

از همین نیروی شورشگر است که به‌رغم دستگیری‌های بی‌وقفه، کانون شورشی پیوسته بازسازی، جان‌ساز و تکثیر می‌شود.

در این دو سال، ظهور شهرهای شورشی و عملیات کانون‌های شورشی بر ضد اختناق، برای شکستن جو سرکوب و خفقان و روشن نگهداشتن موتور قیام و به حرکت درآوردن مردم، خطر را برای رژیم ظاهر و عیان کرده است.

در تاریخ مبارزات آزادی‌بخش ایران، پدیده کانون‌ها و شهرهای شورشی و نقش کلیدی آن در استراتژی قیام، توسط مسعود پیدا و فرموله شد و این همان رمز قیام و پیروزی است.

در دو سال گذشته کانون‌های شورشی با شهادت‌ها و دستگیری‌های بسیار، رودرروی دشمن و در برابر دوربین‌ها و چشم مأموران در شهرهای مختلف در سراسر ایران، روزانه به‌طور متوسط بیش از ۲۰ رشته عملیات ضداختناق و عمل تبلیغی یا افشاگرانه انجام داده‌اند. همین‌ها که آتشزنه قیام‌هاست، رژیم را به ستوه آورده است.

سلام بر این جوانان شورشگر، سلام بر زندانیان سیاسی مقاوم و پایدار و سلام بر این نسل مجاهدت و فدا که برای فروزان نگه‌داشتن شعله قیام‌ها و برای نجات ایران اسیر، هر روز جان و زندگی خود را نثار می‌کنند. این‌ها نشانه‌های ارتش بزرگ آزادیت. از میان بی‌شماران سرکوب‌شده، نیروی نجات و آزادی در حال برخاستن است.

خورشید در حال دمیدن است. و کاروان سرخ فام شهیدان نغمه سر می‌دهد:

کنون یاران به پا خیزید!

عقاب آسا و بی‌پروا به سوی خصم روی آرید!

به سوی فتح و پیروزی به سوی روز بهروزی.

”

در تاریخ مبارزات آزادی‌بخش ایران، پدیده کانون‌ها و شهرهای شورشی و نقش

کلیدی آن در استراتژی قیام، توسط مسعود پیدا و فرموله شد و این همان رمز

قیام و پیروزی است.



حرف آخر این است که آخوندها هیچ راه‌حلی ندارند

بعد از قیام دی‌ماه مسعود گفت، ولی فقیه برای جمع کردن این قیام، ناگزیر از حل تضادهایی است که اگر به آن مبادرت کند، اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی، راهگشای سرنگونی خود اوست.

کانون درماندگی آخوندها دقیقا در همین جاست. آن‌ها اگر هم‌چنان به‌راه و روش فعلی خود بچسبند، اگر به‌جنگ‌افروزی، موشک‌پرانی، تروریسم و ارباب و انقباض ادامه دهند، ناگزیر با سر به زمین خواهند خورد.

اما اگر به کمترین عقب‌نشینی تن بدهند، اگر تغییر رفتار بدهند و از سرکوب و تروریسم و جنگ‌افروزی دست بردارند، آن وقت به دست خود، موجودیت حکومت ولایت فقیه را نفی می‌کنند.

به همین دلیل، امروز خامنه‌ای شعار «دولت جوان و حزب‌اللهی» می‌دهد و مجلس انقباضی و قضائیه جلادان را تنها گریزگاه رژیم، در گرداب بحران‌های سرنگونی و تنها راه حفظ نظام می‌بیند.

کمتر از دو هفته پیش، در جلسه علنی روز ۱۵ تیر، در مجلس رژیم، صحبت از استیضاح و حتی محاکمه روحانی به‌خاطر خیانت بود. آن‌ها ترس و وحشت

بی‌پایانشان از به کار افتادن سیستم ماشه در پروژه هسته‌یی را بر سر ظریف تخلیه می‌کردند. آخوندها و پاسدارانشان برای خاتمه تحریم تسلیحاتی طبق برجام، در ۲۷ مهر امسال، حساب حیاتی باز کرده بودند. به همین خاطر کشیده‌شدن ماشه، توسط جامعه بین‌المللی، تیر خلاص دستاوردهای بادآورده رژیم در برجام و سیاست مامشات محسوب می‌شود. ماشه قبل از هر چیز بادکنک ماندگاری رژیم را می‌ترکاند و سرنگونی رژیم را جلو می‌اندازد.

بنابراین صحبت از خیانت و استیضاح روحانی و ظریف، یک فرار به جلو بسیار ترسان و هراسان است. ما می‌گوییم بگذارید ولایت فقیه هرچه می‌خواهد باندهای درونی خود را ببلعد و دور بیندازد. حرف آخر این است که آخوندها هیچ راه‌حلی ندارند. و تمامیت رژیم آن‌ها محکوم به فنا و سرنگونی‌ست.

استراتژی کلان تلفات انسانی برای سدبستن در برابر قیام و سرنگونی

شیوع شتابان بیماری کرونا تا امروز دست کم ۷۲ هزار نفر از مردم ما را قربانی کرده است. در این جا به یاد این قربانیان مظلوم، یک دقیقه سکوت می‌کنیم.

این کشتار بیش از هر زمانی پرده از این واقعیت هولناک برداشته که چگونه آخوندها، بنیادهای بهداشت و درمان و تغذیه و رفاه جامعه را ویران کرده‌اند و بیش از هر کشوری در جهان، مردم ما را در برابر کرونا آسیب‌پذیر کرده‌اند. نباید وضعیت کرونا در ایران را با سایر کشورها مقایسه کرد. خامنه‌ای در اسفندماه گذشته به صراحت گفت که می‌خواهد از کرونا برای رژیم فرصت و نعمت بسازد. من بارها از جانب مقاومت ایران اعلام کرده‌ام که روند نامتعارف افزایش شمار قربانیان کرونا، حاصل سیاست‌های جنایتکارانه و چپاولگرانه خامنه‌ای و روحانی است. استراتژی اجساد و کلان تلفات انسانی برای سد بستن در برابر خطر قیام و سرنگونی و برای منفعل کردن، مأیوس کردن و بی‌حرکتی جامعه ایران است. آن‌ها مردم را بدون هرگونه کمک در پیشگیری و درمان، به سرکار می‌فرستند و در عین حال آن‌ها را به دلیل عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مقصر و عامل شیوع کرونا معرفی می‌کنند.

کارگزاران رژیم می‌گویند در ماه تیر بیماری شبیخون زده است و «پرستاران مثل برگ پاییزی می‌ریزند» و دست کم ۱۵ هزار تن از کادر درمانی به کرونا مبتلا شده‌اند. دروهای بیکران به پزشکان و پرستاران فداکار که در این ماه‌ها با درد و رنج فراوان و مایه‌گذاری از جان‌شان برای نجات هموطنان مان یک دم آرام و قرار نداشتند. برای تقدیر از آن‌ها یک دقیقه کف می‌زنیم.

دوستان عزیز،

در همین شرایط بحرانی آخوندهای حاکم از تخصیص بودجه برای مقابله با بیماری و حتی پرداخت حقوق پرستاران خودداری می‌کنند. وزیر بهداشت همین رژیم می‌گوید از اول شیوع کرونا به‌رغم درخواست‌های مکرر برای اولین بار در خرداد ماه، فقط ۳۰۰ میلیون یورو یعنی ما به ازاء هر ایرانی ۳.۵ یورو، به این وزارت‌خانه برای مقابله با کرونا پرداخت شده که قابل مقایسه با هیچ کشوری در جهان نیست. البته همین پول هم، در چرخ دنده فساد فراگیر حکومتی حیف و میل می‌شود.

از آن طرف، آخوندها در حین بحران نفس‌گیر کرونا به فرستادن یک ماهواره پرهزینه به‌فضا ادامه دادند. همزمان فعالیت جنگی و تروریستی در عراق و سوریه و یمن را ادامه دادند و فعالیت‌های شوم هسته‌یی را به‌سطح بالاتری رساندند. وزیر دفاع رژیم اخیراً در مجلس ارتجاع گفت: «در چهار سال گذشته ... تقریباً به اندازه ۱۰ سال قبل، ما موشک تولید کرده‌ایم».

راستی مخارج این فعالیت‌ها از کجا تأمین می‌شود؛ جز با خالی کردن سفره مردم محروم؟ آخوندها تعداد پایگاه‌های بسیج ضد مردمی را به ۵۴ هزار پایگاه رسانده‌اند. اگر فقط به‌اندازه یک دهم این تعداد، بیمارستان ساخته بودند، شمار تلفات بیماری این همه بالا نمی‌رفت. در حالی که می‌دانیم شمار بیمارستان‌های فعال در کشور فقط ۹۵۴ تا است.

”

آتشفشان آبان همه اباطیل را برباد داد. اثبات شد که برانگیختن و سازمان‌دادن

قیام‌ها ممکن است. اثبات شد که به‌رغم همه سرکوب‌ها و جنایت‌ها، مردم ما

آمادگی خیره‌کننده‌یی برای استمرار قیام‌ها دارند.

روز اول خرداد در شهرک فدک در کرمانشاه، مأموران رژیم با بی‌رحمی تمام، در حال تخریب خانه آسیه پناهی بودند. مادر هفت فرزند و فقیر و بی‌پناه. او مقاومت کرد. نمی‌خواست خانه ۴۰ متری‌اش که همین تازگی با خون دل بسیار به‌دست آورده بود، ویران شود. بارها فریاد کشید خانه‌ام را خراب نکنید، اما آن‌قدر او را روی زمین کشیدند که جان سپرد.

راستی چند آسیه دیگر هر روز تحت حاکمیت آخوندها خانه‌خراب می‌شوند، چند نفر به فقر و گرسنگی سقوط می‌کنند و چند نفر هر روز زجر کش می‌شوند؟ امروز بسیاری از زنان سرپرست خانوار، در خرابه‌ها، گودال‌ها و کانال‌ها زندگی می‌کنند یا در زاغه‌ها هستند و یا چادرنشین‌اند.

چرا آن‌ها و ۳۸ میلیون نفر دیگر حاشیه‌نشین و حلبی‌نشین شده‌اند؟ چرا بیش از ۷ میلیون نفر از مردم ایران به‌زندگی در اطراف گورستان‌ها مجبور شده‌اند؟ بله، به هر کجا که نگاه می‌کنیم، ویرانگری آخوندهاست که قطعاً به آن پایان خواهیم داد. آخوندهای حاکم باید پاسخ بدهند که چرا چندان چیزی از ارزش پول رسمی کشور باقی نمانده؟ چرا قدرت تولید شغل وجود ندارد؟ چرا ایران یکی از چهار کشور پرتورم جهان شده است؟

راستی به ما بگویید سه هزار میلیارد دلار درآمد نفت در حکومت خامنه‌ای کجا رفته است؟ و بگویید که خامنه‌ای از کجا آورده که در ستاد اجرایی خود ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی انباشته است؟

دارایی‌های صدها میلیارد دلاری سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و آستان قدس و بنیاد مستضعفان از کجا آمده است؟

نهادها و بنیادهای ۱۵ گانه تحت کنترل خامنه‌ای در مجموع دارایی‌شان به یک هزار میلیارد دلار سر می‌زند.

”

امروز بسیاری از زنان سرپرست خانوار، در خرابه‌ها، گودال‌ها و کانال‌ها زندگی می‌کنند یا در زاغه‌ها هستند و یا چادرنشین‌اند.

چرا آن‌ها و ۳۸ میلیون نفر دیگر حاشیه‌نشین و حلبی‌نشین شده‌اند؟ چرا بیش از ۷ میلیون نفر از مردم ایران به‌زندگی در اطراف گورستان‌ها مجبور شده‌اند؟ بله، به هر کجا که نگاه می‌کنیم، ویرانگری آخوندهاست که قطعاً به آن پایان خواهیم داد.



بله این نتیجه مستقیم ساقط کردن دست کم ۶۰ میلیون نفر مردم ایران به زیر خط فقر است. ننگ و نفرین بر رژیم تبه‌کار و جنایتکار آخوندی.

تعهد ما در پیشگاه مردم و تاریخ ایران

تعهد ما به سرنگونی رژیم آخوندی، تعهد به پس گرفتن ایران و تمام حقوق بربادرفته و غارت‌شده مردم ایران است.

مردم ما باید از حق سلامتی، حق سرپناه، حق اشتغال، حق داشتن تشکل و سندیکا، حق خودمختاری ملیت‌ها، حق مشارکت برابر در امور جامعه، حق برابری زن و مرد و حق حاکمیت مردم برخوردار باشند.

آزادی از بردگی دینی، آزادی از ستم جنسی، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی انتخاب، آزادی از فقر و آزادی از ترس؛ یعنی پایان شکنجه و اعدام، و پایان نا امنی اجتماعی و اقتصادی.

احقاق این آزادی‌ها و حقوق پایمال‌شده، تعهد ما در پیشگاه مردم و تاریخ ایران و پیمان ما با یکصد و بیست هزار شهید آزادی است.

اکنون در ایران، یکی از بزرگ‌ترین نبردها و آزمایش‌های زمان بین آزادی و دیکتاتوری

مذهبی، بین دمکراسی و بنیادگرایی دینی در جریان است. این نبرد با سرنوشت بشریت معاصر و صلح و امنیت جهانی پیوند خورده است. از همه دولت‌ها و مجامع بین‌المللی می‌خواهیم که در رویارویی تاریخی با مهم‌ترین تهدید صلح و امنیت جهان، در کنار مردم ایران باشند. قطعنامه اخیر اکثریت مجلس نمایندگان آمریکا، الگوی معتبری پیش روی همه دولت‌ها و جامعه بین‌المللی درباره ایران است.

محاكمه ديپلمات تروريست رژيم در بلژيك

در سال ۹۷ وقتی که سران رژیم ایران، یک کشتار تروریستی علیه گردهمایی ایران آزاد در پاریس را طراحی کردند. تروریست‌ها با بمبی که قرار بود منفجر کنند، توسط پلیس بلژیک توقیف شدند. دیپلمات رژیم که بمب را در دست آن‌ها گذاشته بود، بیش از دو سال است که در زندان بسر می‌برد. دو روز پیش محاکمه این دیپلمات و سه همدستش در بلژیک شروع شد. این نخستین بار است که یک دیپلمات در اروپا به‌خاطر مشارکت مستقیم در تروریسم محاکمه می‌شود. این یک رسوایی بزرگ برای رژیم است و نشان می‌دهد که برای نابودی آلترناتیو از هیچ جنایت و هیچ هزینه‌ی رویگردان نیست. دیپلمات دستگیرشده رژیم با استفاده از امکانات دیپلماتیک، اجرای این طرح را تحت نظارت مقامات بالاتر وزارت اطلاعات به‌عهده داشت. محاکمه چهار تروریست دستگیرشده، یک خبر خوب و یک اقدام ضروری است، اما اجازه بدهید تاکید کنم، هم‌چنان که من به عنوان شاهد در یک جلسه هفت ساعته،

”

راستی به ما بگوئید سه هزار میلیارد دلار درآمد نفت در حکومت خامنه‌ای کجا رفته است؟ و بگوئید که خامنه‌ای از کجا آورده که در ستاد اجرایی خود ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی انباشته است؟
دارایی‌های صدها میلیارد دلاری سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و آستان قدس و بنیاد مستضعفان از کجا آمده است؟



با ارائه اسناد و مدارک لازم تاکید کردم، آمران این عملیات تروریستی، خامنه‌ای، روحانی، ظریف و علوی بوده‌اند.

این پرونده مدرک کافی و قاطعی است که بر اساس آن، شورای امنیت ملل متحد می‌تواند خامنه‌ای و همدستان‌اش را به عنوان بزرگترین آمران تروریسم در جهان امروز در مقابل عدالت قرار دهد. البته این مضافاً بر پرونده قتل عام زندانیان سیاسی است و لازمه متوقف کردن تروریسم افسارگسیخته و اعدام‌های وحشیانه آخوندهاست.

هموطنان!

در آستانه سالگرد چند واقعه تاریخی فراموش‌نشده هستیم؛

قیام ۳۰ تیر در حمایت از مصدق بزرگ، تأسیس شورای ملی مقاومت ایران در تهران به ابتکار مسعود، عملیات فروغ جاویدان و قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی با حکم خمینی جلاد. از قیام ۳۰ تیر تا قیام آبان ۹۸، خلقی که این چنین خون‌بهای آزادی را می‌پردازد، بی‌گمان شایسته آزادی است و به آن دست خواهد یافت. نسل ما، رسالت خود را در سرنگونی رژیم تبه‌کار آخوندی و احیای حقوق ضایع‌شده تمام مردم ایران یافته و در این مبارزه نصیبی جز شکنجه و شلاق و اعدام و جز تهمت و افترا نداشته است.

هم چنان که بارها تکرار کرده‌ام ما نیامده‌ایم که چیزی برای خود بخواهیم، ما برای نثار کردن و پرداختن آمده‌ایم. ما برآنیم که آزادی و حاکمیت مردم را در ایران زمین جایگزین کنیم. و چنین خواهد شد. سلام بر آزادی، سلام بر مردم ایران.

ثبت سخنرانی مریم رجوی در گردهمایی ایران آزاد در روزنامه رسمی کنگره آمریکا

روزنامه رسمی کنگره

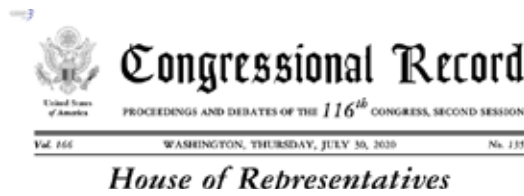
کنگره دوره ۱۱۶

مجلس نمایندگان آمریکا

گردهمایی جهانی ایران آزاد

عالیحنا تان مک کلینتاک

پنج شنبه ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۰



آقای مک کلینتاک: خانم سخنگو، من متن سخنرانی خانم مریم رجوی، رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران را برای ثبت رسمی ارائه می‌کنم.

خانم رجوی سخنرانی‌شان را در گردهمایی جهانی سه روزه ایران آزاد که در ماه ژوئیه ۲۰۲۰ در آلبانی، محل حضور هزاران عضو اپوزیسیون اصلی، سازمان مجاهدین خلق انجام دادند.

این کنفرانس اینترنتی، ایرانیان و ۱۰۰۰ مقام فعلی و پیشین، قانونگذاران از هر دو حزب و مقامات بین‌المللی را در بیش از ۳۰،۰۰۰ نقطه در ۱۰۲ کشور به هم وصل کرد. چکیده‌یی از سخنرانی خانم رجوی در زیر آمده است:

REPRODUCTION OF THE ORIGINAL DOCUMENT FROM THE CONGRESSIONAL RECORD. The page contains the full text of the speech by Ms. Maryam Rajvi, including the header 'CONGRESSIONAL RECORD - Extension of Remarks' and the date 'July 30, 2020'. The text is presented in a smaller font and includes the speaker's name 'MS. MARYAM RAJVI' and the title of the speech 'SPEECH BY MS. MARYAM RAJVI, PRESIDENT OF THE NATIONAL COUNCIL OF AMERICAN-IRANIAN FREEDOM FIGHTERS'. The page also includes the name of the committee member, 'MS. MARCO RUBIO', and the date of the hearing, 'Thursday, July 30, 2020'.



عکس از رویترز

اجتماع ایرانیان در برلین در مقابل بنای براندنبورگ با شرکت شخصیت‌های سیاسی و حامیان مقاومت ایران از آلمان، با حضور خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌های خبری آلمان و جهان، در ارتباط زنده با گردهمایی ایران آزاد و مجاهدین در اشرف ۳



بزرگداشت سالگرد قیام تاریخی مردم ایران علیه ارتجاع و استعمار برای بازگرداندن دولت ملی و دموکراتیک دکتر محمد مصدق در سال ۱۳۳۱



مریم رجوی: با ادای احترام به دکتر مصدق پیشوای بزرگ نهضت ملی ایران که در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد، به نسل جوان پیام می‌داد که «شما آخرین تیر ترکش مردم ایران هستید؛ از آنچه دیده‌اید، درس بگیرید و عمل کنید». می‌گفت «عقب‌ماندگی ما به علت نداشتن تشکیلات سیاسی و اجتماعی است».

مصدق با الهام از مجاهدین الجزایر، در ایران به مجاهدینی چشم دوخته بود که در راه آزادی و استقلال وطن «از همه چیز خود می‌گذرند». بر سر مواضع خود «می‌ایستند و یکدندگی به خرج می‌دهند».



سلام بر جوانان شورشگر نماد قیام مردم ایران





دادخواهی شهیدان و حسابرسی از رژیم ایران

سخنرانی مریم رجوی در کنفرانس دادخواهی

در دومین اجلاس گردهمایی جهانی ایران آزاد



سی و دومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷

روز یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۹، دومین اجلاس گردهمایی جهانی ایران آزاد، با عنوان سی و دومین سالگرد قتل عام ۶۷، جنایت مجازات ناشده علیه بشریت- دادخواهی برگزار شد. در این گردهمایی، که با حضور و سخنرانی مریم رجوی همراه بود، شماری از حقوقدانان و شخصیت‌های سیاسی بین‌المللی از طریق ارتباط زنده‌آنلاین) به اشرف ۳ پیوستند و به سخنرانی پرداختند. در این جلسه هم چنین شماری از مجاهدان از بندرسته به تشریح مشاهدات خود پرداختند.



هم‌میهنان،

خواهران، برادران،

به یکایک شما درود می‌فرستم.

تبریک به خاطر وادار کردن رژیم و قضائیه جلادان به یک گام عقب‌نشینی و فعلاً توقف در اعدام ۳ جوان قیامی در اثر توفان عظیم خشم مردم و بیش از ۱۱ میلیون اعتراض، هرچند که قضاییه ولایت فقیه، سه جوان دلیر کرد را در سقز به‌خاطر آتش‌زدن عکس‌های سرجلاد قاسم سلیمانی، جمعا به بیش از ۱۶ سال زندان محکوم کرد.

بنابراین خشم و اعتراض مردم ایران تا سرنگونی رژیم و پیروزی نهایی ادامه دارد. این جوانان و تمام زندانیان قیام باید هر چه سریع‌تر آزاد شوند.

در بهبهان هم رژیم، با لشکرکشی به ضدتظاهرات و شعارهای همیشگی مرگ بر منافق روآورده، در حالیکه خودش در تمام کشور هر گونه گردهمایی را به دلیل کرونا ممنوع اعلام کرده است.

اما هیئات، زیرا با این نمایش‌ها دردی از این رژیم درمان نمی‌شود، آن‌هم با دلاری که به بیش از ۲۶ هزار تومان رسیده است.

بله، سرنگونی این رژیم نزدیک و در دسترس است.



امروز این‌جا جمع شدیم که به ۵ رخداد بزرگ تاریخی و درس‌های آن می‌پردازیم؛ نگاهی به نقشه مسیر و راهی که تاکنون پیموده‌ایم که در عین حال چراغ راهنمای آینده است:

سالگرد قیام مردم تهران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در برابر شاه به‌خاطر آن که مصدق را از نخست‌وزیری برکنار کرده بود،

سالگرد تشکیل شورای ملی مقاومت ایران و آغاز چهلمین سال حیات آن. سالگرد زهر آتش‌بس برای خمینی در جنگ ۸ ساله ایران و عراق در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، زهری که ارتش آزادی‌بخش ملی ایران مخصوصاً با فتح شهر مهران به حلقوم او ریخت،

واقعه دیگر، حکم خمینی به قتل‌عام مجاهدین استوار و ایستاده بر «سر موضع» و سایر زندانیان مبارز،

و هم‌چنین سالگرد عملیات کبیر فروغ جاویدان و پیشروی ارتش آزادی‌بخش ملی ایران تا دروازه کرمانشاه در عمق ۱۷۰ کیلومتری خاک وطن، که در تصور کسی نمی‌گنجید.

آری، نبرد برای پس‌گرفتن ایران از آخوندهای اشغالگر، هم‌چنان ادامه دارد و بی‌گمان به پیروزی می‌رسد.



سالگرد قیام ملی ۳۰ تیر و تاسیس شورای ملی مقاومت ایران

با ادای احترام به دکتر مصدق پیشوای بزرگ نهضت ملی ایران که در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد، به نسل جوان پیام می‌داد که «شما آخرین تیر ترکش مردم ایران هستید؛ از آنچه دیده‌اید، درس بگیرید و عمل کنید». می‌گفت «عقب‌ماندگی ما به علت نداشتن تشکیلات سیاسی و اجتماعی است».

مصدق با الهام از مجاهدین الجزایر، در ایران به مجاهدینی چشم دوخته بود که در راه آزادی و استقلال وطن «از همه چیز خود می‌گذرند». بر سر مواضع خود «می‌ایستند و یکدندگی به خرج می‌دهند».

سال‌ها بعد، مسعود در دفاعیه خود در بی‌دادگاه نظامی شاه در سال ۵۰ گفت: «من و دوستانم از فرزندان دکتر مصدق هستیم که به پول و مقام پشت پا زده‌ایم» و گفت: «مصدق غروب استعمار و طلوع آزادی و استقلال را می‌خواست».

یک دهه بعد مسعود شورای ملی مقاومت ایران را تأسیس کرد تا برخلاف انقلاب ضدسلطنتی، این بار رنج و رزم و خون شهیدان لگدمال نشود و به ثمر بنشیند و ایران دموکراتیک فردا را تضمین کند.

به برنامه و طرح‌ها و مصوبات شورا و دولت موقت از ۴ دهه پیش نگاه کنید. به واقع می‌درخشند و حقانیت آن‌ها ثابت شده است؛



از اصل حاکمیت و رأی جمهور مردم تا اعلام استحاله‌ناپذیری و اصلاح‌ناپذیری و حتی مذاکره‌ناپذیری رژیم ولایت فقیه. از طرح صلح و سیاست صلح و جنبش صلح، در برابر جنگ‌طلبی خمینی تا طرح خودمختاری در چارچوب وحدت و تمامیت ایران. از طرح جدایی دین و دولت تا طرح آزادی‌ها و حقوق زنان و طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی که می‌گوید اگر خواهان جمهوری و یک نظام سیاسی دمکراتیک و مستقل با جدایی دین از دولت هستید، بدون شک با ما هستید. طرح جبهه همبستگی را دقیقاً آن‌هایی نادیده می‌گیرند که با شاه و شیخ پل دارند تا بتوانند پس از درهم‌شکسته‌شدن برچسب تروریسم، مجاهدین را با همان فرهنگ اطلاعات آخوندها، فرقه خطاب کنند.

”

تشکیل، معرفی و حفظ اُترناتیو، نخستین و بزرگ‌ترین و البته سخت‌ترین درسی بود که ما از انقلاب ضدسلطنتی گرفته بودیم. یعنی کافی نیست که فقط بگوییم چه چیزی را نمی‌خواهیم و نباید باشد؛ مثل زمانی که همه گفتند دیکتاتوری شاه را نمی‌خواهیم. بلکه باید به دقت مشخص کرد که چه چیزی را می‌خواهیم و باید باشد. هم‌چنان که حالا در برنامه ۱۰ ماده‌یی مقاومت فرموله شده است.

تشکیل و حفظ جایگزین دمکراتیک: درس بزرگ انقلاب ضدسلطنتی

تشکیل، معرفی و حفظ آلترناتیو، نخستین و بزرگ‌ترین و البته سخت‌ترین درسی بود که ما از انقلاب ضدسلطنتی گرفته بودیم. یعنی کافی نیست که فقط بگوییم چه چیزی را نمی‌خواهیم و نباید باشد؛ مثل زمانی که همه گفتند دیکتاتوری شاه را نمی‌خواهیم. بلکه باید به دقت مشخص کرد که چه چیزی را می‌خواهیم و باید باشد. هم‌چنان که حالا در برنامه ۱۰ ماده‌یی مقاومت فرموله شده است.

درودهای همه ما نثار مسئول شورای ملی مقاومت، مسعود که در یک لحظه تعیین‌کننده که خمینی با موج عظیم اعدام و سرکوب می‌خواست فصل انقلاب و آزادی را در تاریخ ایران برای همیشه به پایان برساند او با پایه‌گذاری یک جایگزین دمکراتیک، فصل تازه‌یی را در تاریخ ایران گشود که آزادی و ایران دمکراتیک فردا را تضمین می‌کند.

نخستین و مهم‌ترین گناه مسعود این بود که اولویت و تقدم را به آزادی داد و به همین خاطر اصل ولایت‌فقیه و قانون اساسی ولایت‌فقیه را نپذیرفت و تحریم کرد. برخلاف ریزشی‌های سپاه پاسداران و حزب توده و سایر دستجات و افرادی که وقتی به خارج رسیدند، یکباره به یاد دمکراسی و آزادی افتادند. در فروردین ۶۰ روزنامه حزب توده می‌نوشت: آقای رجوی توجه فرمایید دمکراسی که این‌همه مورد عشق و پرستش شماست، در عصر ما به نسبت امپریالیسم‌ستیزی، چه بسا نقش درجه دوم هم احراز نکند!

بله آلترناتیو شورای ملی مقاومت بر اساس آزادی و استبدادستیزی، با نفی شاه و شیخ و البته با سنگین‌ترین بهای خونین، ساخته شد و دوام و قوام پیدا کرد.

”

در ۳۲ سال گذشته، مقاومت ایران، در باره قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷۷ صدها و هزاران کنفرانس، تظاهرات و راهپیمایی و دادگاه‌های سمبلیک مردمی برگزار کرده‌است. همراه با افشای اسناد و اسامی و مزارهای بی‌نام و نشان.



بزرگترین جبهه‌بندی در ایران امروز

رژیم آخوندی ۴ دهه است که می‌خواهد با شیطان‌سازی و با اعدام و قتل‌عام و تروریسم، آلترناتیو خود یعنی آنچه را که باید باشد، نابود کند. می‌خواهد دنیا را متقاعد کند که این رژیم آلترناتیوی ندارد و باید به آن تن داد. وقتی هم نتواند مجاهدین و شورای ملی مقاومت را نابود کند، تلاش می‌کند نشان بدهد که آن‌ها بدتر از این رژیم هستند و در نتیجه باز هم باید با همین رژیم ساخت. نتیجه وضع موجود هم روشن است. از یک طرف کشتار جوانان ایران، از طرف دیگر غارت دارایی مردم و چوب حراج‌زدن به خزر و خلیج فارس و جزایرش در معاملات و قراردادهای وطن‌فروشانه که این روزها صحبتش زیاد است.

آخوندها، قدرت پوسیده رابه این صورت حفظ کرده‌اند که البته دوام نخواهد آورد. در ۴۰ سالگی که می‌گذرد، رژیم بی‌وقفه اعلام کرده است که مجاهدین و مقاومت ایران را دشمن اصلی و نخستین مرز سرخ خود می‌داند. بنابراین در این رویارویی تاریخی می‌توان جایگاه و نقطه قرار گرفتن همه نیروها و جریان‌ها را مشخص کرد.

در یک طرف بقایای شیخ و شاه و افراد و جریان‌هایی هستند که به‌طور آشکار و بی‌پرده و یا شرمگینانه و در پرده، همین رژیم را بر شورای ملی مقاومت و مخصوصاً بر مجاهدین ترجیح می‌دادند و می‌دهند. مثلاً در سیاست صلح و جنبش صلح در جنگ ۸ ساله، در بحث هویت و ماهیت رژیم بعد از مرگ خمینی و مطرح شدن

سراب میانه‌روی رفسنجانی و در برابر توهم اصلاحات آخوند خاتمی. پس ما با افراد و جریان‌هایی روبرو هستیم که یا با همین رژیم هستند، یا متحد بالفعل رژیم‌اند و یا به درجات با همین رژیم همسو هستند، برای مثال بر سر تحریم‌ها و هم‌چنین برنامه‌های هسته‌یی و موشکی رژیم و یا در باره فعال شدن مکانیزم ماشه در ۶ قطعنامه بلوکه‌شده شورای امنیت علیه این رژیم، یا بر سر نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران و یا در موضوع قاسم سلیمانی و دخالت‌های رژیم در سوریه و لبنان و یمن.

بله، بر سر همه این مسائل با رژیم همسویی و هم‌زبانی می‌کنند؛ اما در طرف دیگر آنهایی قرار دارند که رو در روی رژیم ایستاده‌اند و بنابراین با ما هستند یا همسو با مقاومت ایران‌اند. این نخستین، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جبهه‌بندی در ایران امروز است. برای شناختن هر کس و هر جریان، به سادگی می‌توانید از او بپرسید که انتخاب واقعی و بالفعل او کدام یک از این‌هاست؟ رژیم آخوندی یا شورای ملی مقاومت ایران؟ بپرسید که بین مجاهدین و آخوندهای حاکم اعم از «اعتدالی و اصلاح طلب و اصولگرا» کدام یک را ترجیح می‌دهد؟ در پاسخ به همین سؤال اساسی، محتوا و ماهیت همه طرف‌ها آشکار می‌شود.

آلترناتیو شورای ملی مقاومت، آئینه تمام‌نمای مبارزات ۴۰ ساله

در واقع این شورا و این آلترناتیو، شاخص و آئینه تمام‌نمای مبارزات ۴۰ ساله است. و این حقیقت را روشن می‌سازد که چرا شیطان‌سازی و خصومت رژیم با مجاهدین و تروریسم علیه این مقاومت، در چنین ابعاد گسترده‌یی جریان دارد و هدف آن چیست؟

بنابراین ما با آن‌هایی که شیخ و شاه را بر مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران ترجیح می‌دهند، حرفی نداریم. حرف آخر با شاه را مردم ایران در انقلاب ضدسلطنتی با سرنگون کردن شاه زده‌اند. حرف آخر با شیخ را هم مردم ایران، در قیام و انقلاب نوین ایران، خواهند زد؛ هم با شیخ و هم با کسانی که سپاه و اطلاعات و قضاییه جلادان را بر مجاهدین و مقاومت ایران ترجیح می‌دهند.



به بیانیه تاریخی ۳۱ شخصیت برجسته آمریکایی در تاریخ ۱۰ تیرماه امسال در باره ضرورت حساسی از رژیم جلادان نگاه کنید. برای تمام دنیا با صراحت روشن کرده‌اند که در ظلمت تیره و تاریک ۴۰ ساله این رژیم و جنایت‌های بی‌پایانش، یک نقطه امید وجود دارد که همین شورای ملی مقاومت ایران است.

این بیانیه می‌گوید: «تنها سازمانی که بیشتر از هر موجودیت دیگری، حتی دولت‌ها، برای آزاد کردن شهروندان ایرانی از دست استبداد و برای آزاد کردن جهان از تروریسم برخاسته از بنیادگرایی عمل کرده، همین شورای ملی مقاومت ایران است. شورای ملی مقاومت به‌طور خستگی‌ناپذیر تلاش می‌کند تا تضمین کند که امید به برقراری دموکراسی و پایان بی‌عدالتی در ایران، زنده بماند».

این بیانیه می‌گوید: «...شورای ملی مقاومت و مجاهدین شرایط دهشتناک وصف‌ناپذیری را از سوی رژیم ایران تحمل کرده‌اند». بله، این عین حقیقت است.

”

ما با آن‌هایی که شیخ و شاه را بر مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران ترجیح می‌دهند، حرفی نداریم. حرف آخر با شاه را مردم ایران در انقلاب ضدسلطنتی با سرنگون کردن شاه زده‌اند. حرف آخر با شیخ را هم مردم ایران، در قیام و انقلاب نوین ایران، خواهند زد

قتل عام ۶۷ بزرگترین جنایت کیفر داده نشده

یکی از دهشتناکترین جنایت‌های وصف‌ناپذیر که ما تحمل کردیم، قتل عام زندانیان مان به حکم خمینی بود، که پس از آن که وادار به قبول آتش‌بس در جنگ ۸ ساله شد. به آن دست زد. خمینی سوگند خورده بود آن جنگ را تا وقتی که در تهران حتی یک خانه باقیست، ادامه بدهد. همان جنگی که خمینی آن را برای حفظ رژیمش «نعمت الهی» می‌دانست. استراتژی و شعار رسمی آن جنگ «فتح قدس از طریق کربلا» بود. با یک میلیون قربانی فقط در طرف ایران.

وزیر آموزش و پرورش خمینی با افتخار می‌گفت در طول جنگ ۸ ساله، ۴۴۰ هزار دانش‌آموز از مدارس و دبیرستان‌ها را به خط مقدم یعنی بر روی میدان‌های مین فرستاده است. درست مثل همین امروز که رژیم بی‌دریغ مردم را به میدان‌های مین کرونا می‌فرستد.

خمینی با حکم قتل عام، درصد برانداختن نسل مجاهدین بود تا مانند مغول برای حکومتش تضمین بقا به دست بیاورد. البته در همان زمان منتظری، جانشین معزول خمینی به او نوشت که مجاهدین یک سنخ منطبق هستند، با کشتن از بین نمی‌روند بلکه ترویج می‌شوند.

خمینی در حکم قتل عام به خط خودش نوشت: هر کس در هر مرحله اگر بر سر موضع مجاهدی باشد، حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید... یکبار بارونس بوتروید، دوست گرامی مقاومت ایران گفت: قتل عام زندانیان سیاسی توسط خمینی، آن هم بعد از این که مجبور به پذیرش آتش‌بس شد، بزرگترین جنایت

”

مسعود از ابتدا می‌گفت که سران رژیم و آمران و عاملان قتل عام زندانیان سیاسی، باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه بین‌المللی و در دادگاه مردم ایران، محاکمه و مجازات شوند... به خصوص از آن جا که از مغول به بعد، این نمونه بیسابقه‌یی است... مجازات و محاکمه این جانان، حق مردم

ایران، حق جامعه بشری و حق مجاهدین و خلق آن‌هاست.



علیه بشریت بعد از جنگ جهانی دوم بود که کیفر داده نشده باقیست. ولی بی شک روزی خواهد آمد که ما شاهد استیفای حق باشیم. ما از آغاز، با افشای تمام جزئیات در باره قتل عام، خواهان حسابرسی از آمران و عاملان این جنایت بزرگ علیه بشریت بوده ایم.

مسعود از ابتدا می گفت که سران رژیم و آمران و عاملان قتل عام زندانیان سیاسی، باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاه بین المللی و در دادگاه مردم ایران، محاکمه و مجازات شوند... به خصوص از آن جا که از مغول به بعد، این نمونه بی سابقه یی است... مجازات و محاکمه این جانیان، حق مردم ایران، حق جامعه بشری و حق مجاهدین و خلق آن هاست.

در ۳۲ سال گذشته، مقاومت ایران، در این باره صدها و هزاران کنفرانس، تظاهرات و راهپیمایی و دادگاه های سمبلیک مردمی برگزار کرده ایم. همراه با افشای اسناد و اسامی و مزارهای بی نام و نشان.

جنبش دادخواهی در انتخابات ریاست جمهوری رژیم در سال ۹۶ با شعار نه جلد نه شیاد، نقش به سزایی در شکست طرح خامنه ای برای رئیس جمهور کردن آخوند رئیسی، جلد قتل عام، ایفا کرد. آن قدر که حتی روحانی برای رأی جمع کردن، فرصت طلبانه در مورد رئیسی گفت که او در کارنامه اش جز ۳۸ سال اعدام و زندان چیز دیگری ندارد. دو روز بعد خامنه ای که به شدت عصبانی شده بود، در حالی که قاسم سلیمانی و سران سپاه پاسداران در کنارش بودند، روحانی را تهدید کرد که اگر خط قرمز رژیم در این موضوع را مراعات نکند، سیلی خواهد خورد. بعد هم خود او

علناً به قلم‌به‌مزدها و فیلم‌سازان وزارت بدنام «توصیه» کرد که کاری کنند که «جای شهید و جلاد عوض نشود».

در قدم‌های بعد، وقتی که کار جنبش جهانی دادخواهی بالا گرفت، رژیم با ترفندهای خاص خودش که به آن عملیات پیچیده چندوجهی می‌گویند با به‌کار گرفتن یک مزدور نفوذی به فکر گل‌آلود کردن آب و مصادره و مخدوش کردن جنبش دادخواهی و دورزدن مجاهدین سر موضع و رهبری آن‌ها افتاد. در حالی که هدف اصلی قتل عام و حکم خمینی، نابودی مجاهدین و تشکیلات‌شان بود. مضافاً بر این که دستگیری دیپلمات تروریست بمب‌گذار در گردهمایی ویلپنت و هم‌چنین خنثی شدن طرح‌های تروریستی در آلبانی، ایجاب می‌کرد که رژیم از در دیگری وارد شود. این البته موضوع بحث جداگانه‌ی است، اما مقاومت ایران، هوشیار و بیدار است. هم‌چنان که کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت توانست مکالمات آخوندهای دژخیم، رازینی و مقیسه‌ای را برملا کند و در دسترس عموم به ویژه ارگان‌های قضایی سوئد بگذارد و من فقط این شعار عمومی را یادآوری می‌کنم که در موضوع قتل عام زندانیان دست بسته، نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم.

دربینانیه شخصیت‌های آمریکایی در باره موضوع قتل عام آمده است:

«چهره‌های اصلی در این رژیم شیطانی که سال‌ها و حتی دهه‌ها در مناصب مسئول بوده‌اند... باید اکنون مورد حسابرسی قرار بگیرند». بیانیه اضافه می‌کند: «ما توصیه می‌کنیم کشورهایی که قربانی تروریسم دولتی ایران شده‌اند، از جمله آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌شان، تیم‌های متخصص را برای مطالعه اسناد و مدارک به اشرف ۳ اعزام کنند».

”

خون شهیدان ۶۷، امروز در ایران در جوشش است و جوانان شورشی نسل‌درنسل، از آن انگیره و الهام می‌گیرند. آن مجاهدان سرب‌به‌دار، که هزار هزار سر به پای آرمان آزادی نهادند، موضوع امروز و اکنون جامعه ایران هستند. موج دستگیری جوانان شورشگر و خانواده‌های مجاهدین در ماه‌های اخیر گویای همین حقیقت است.



جوش خون‌های شهیدان قتل عام ۶۷ در قیام‌های ایران

آن خون‌های پاک، به خصوص شهیدان ۶۷، امروز در ایران در جوشش است و جوانان شورشی نسل درنسل، از آن انگیره و الهام می‌گیرند. آن مجاهدان سربهدار، که هزار هزار سر به پای آرمان آزادی نهادند، موضوع امروز و اکنون جامعه ایران هستند. موج دستگیری جوانان شورشگر و خانواده‌های مجاهدین در ماه‌های اخیر گویای همین حقیقت است.

خامنه‌ای در ۲۸ اردیبهشت نسبت به رو آوردن جوانان به مجاهدین هشدار داد و گفت نباید مانند ابتدای انقلاب، جوانان مسلمان، جذب مجاهدین بشوند که بعد رژیم را آماج حملات خود قرار دهند. رسانه‌های رژیم، این قبیل جوانان را «سلول‌های خفته» می‌نامند که به قول آن‌ها «آرام آرام در زیر پوست شهر افزوده شده» و در انتظار طغیان هستند. هفته پیش وزیر بهداشت رژیم از گزارش دوستان امنیتی‌اش نقل قول می‌کرد که «مردم از فقر و تهیدستی رو به سمت طغیان می‌برند» و «تیروهای امنیتی و نظامی و انتظامی باید ... به عدم شکل‌گیری یک طغیان فکر کنند».

بله، زنگ‌ها این‌چنین حتی در داخل رژیم به صدا درآمده است. بی‌سبب نیست که رژیم باز هم بر طبل‌های شیطان‌سازی علیه مجاهدین و دوستان مقاومت ایران می‌کوبد. بله، در ایران، قلب دعوا، مقاومت بر سر آزادی و حاکمیت رأی مردم و جمهور مردم در برابر حاکمیت آخوندها و استبداد دینی است.



چهل سال است که آخوندها با همان قساوتی که مردم را می‌کشند و شکنجه می‌کنند و با همان بربریتی که ایران را به‌ویرونی کشانده‌اند، مجاهدین و مقاومت ایران به ویژه مسعود را هر روز با رگبار دروغ و افترا به صلیب می‌کشند. اما نام او هم‌چنان که در قتل عام، راز ایستادگی و مقاومت آن قهرمانان بود، امروز، اسم رمز شورش و نبرد آزادی‌بخش است.

هر چند «تیر تبار تهمت» از جانب «دلکان تاریخ و مشاطگان ابلیس»، «هر سو روان به‌سویش» اما روزی می‌رسد که «گل برآید از باغ آرزویش». آری آن روز، روزی که از باغ آرزوهای مردم ایران، گل‌های آزادی و حاکمیت مردم رویان و شکوفان شود به‌طور قطع و یقین فرا می‌رسد.

سلام بر شهیدان

سلام بر آزادی





تروریسم جان‌مایه فاشیسم دینی

سخنرانی مریم رجوی در سومین اجلاس جهانی ایران آزاد



تروریسم رژیم ایران

سفارت‌های رژیم را ببندید و مأموران و مزدورانش را اخراج کنید

روز دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۹، در سومین اجلاس جهانی ایران آزاد، کنفرانسی با عنوان «تروریسم رژیم ایران - سفارت‌های رژیم را ببندید و مأموران و مزدورانش را اخراج کنید»، با حضور مریم رجوی، در جمع اعضای مجاهدین خلق ایران در اشرف ۳ و در ارتباط زنده تصویری با حضور صدها تن از شخصیت‌های سیاسی از آمریکا و اروپا و آلبانی و کشورهای عربی برگزار شد.

قانون‌گذاران محترم،

دوستانی که از اروپا و آمریکا و هم‌چنین از آلبانی، کشور میزبان مجاهدان اشرفی، به این جمع پیوسته‌اید،

دوستان و حامیان مقاومت ایران!

با درود به یکایک شما، از برگزاری این کنفرانس و فراهم شدن چنین فرصتی برای دیدار با شما - ولو با فاصله - بسیار خوشوقتم.

توجه شما به مسأله ایران برخاسته از احساس مسئولیت شما نسبت به تهدیدی است که مصالح حیاتی مردم ایران و هم‌چنین مردم جهان را تهدید می‌کند. این تهدید جهانی، رژیم ولایت فقیه است؛ یعنی بانگذار مرکزی تروریسم در دنیای امروز، که همزمان با سرکوب و اعدام و قتل‌عام در ایران و جنگ‌افروزی در خاورمیانه برای دستیابی به بمب اتمی تلاش می‌کند.

تروریسم، جان‌مایه و ذاتی این رژیم و از آن جدایی‌ناپذیر است. شاید تعجب کنید اما رئیس ستاد حقوق بشر سابق این رژیم در قضایه جلادان که دست و پا می‌برد و سنگسار می‌کند یعنی جواد لاریجانی، از نظریه‌پردازان قدیمی تروریسم آخوندهاست. او برادر بزرگتر رئیس قبلی مجلس رژیم و در عین حال برادر صادق لاریجانی رئیس قبلی قوه قضایه رژیم است.

در سال ۱۹۹۴، در سالگرد صدور فتوای ترور سلمان رشدی، جواد لاریجانی، تروریسم دولتی آخوندها را تحت عنوان «نوع جدیدی از قدرت» تئوریزه می‌کرد که همانا گروگانگیری و صدور حکم قتل اتباع خارجی است. او نوشت:

«تاکنون چنین می‌پنداشتند که قدرت سیاسی براساس قدرت نظامی و اقتصادی باید تعریف شود ... فتوای حضرت امام (فتوای قتل سلمان رشدی) نشان داد که سرچشمه قدرت سیاسی غیر از این دو منبع است.»

او ادامه می‌دهد: «دنیا اگر واقع‌بین باشد، باید شأن اسلام و حکومت اسلامی را بر اساس این قدرت اذعان کند نه درجه رشد اقتصادی ...»

می‌بینید که عملیات تروریستی رژیم از کجا نشات می‌گیرد.



تاریخچه عملیات تروریستی رژیم

ما تا سال ۱۳۸۰، بیش از ۴۵۰ عمل تروریستی این رژیم را در خارج از خاک ایران، لیست برداری کرده بودیم که ۱۵۰ مورد آن در خاک عراق علیه مجاهدین بود؛ از قبیل بمب‌گذاری بر سر راه اتوبوس یا کامیون انفجاری در پایگاه مجاهدین و یا حمله با آر.پی.جی ۸ به خانه مسکونی مادران مجاهدین در بغداد. قسمت دیگری از فهرست تروریسم آخوندها در خارج خاک ایران، کشتار مجاهدین و دیگر گروه‌های ایرانی در کردستان عراق، پاکستان، ترکیه، سوئیس، ایتالیا، فرانسه، آلمان، اتریش و قبرس بود.

”

تهدید جهانی که مصالح حیاتی مردم ایران و جهان را تهدید می‌کند، رژیم ولایت فقیه است؛ یعنی بانکدار مرکزی تروریسم که همزمان با سرکوب و اعدام و قتل‌عام در ایران و جنگ‌افروزی در خاورمیانه برای دستیابی به بمب اتمی تلاش می‌کند. تروریسم، جان‌مایه و ذاتی این رژیم و از آن جدایی‌ناپذیر است.

حالا به بخش دیگری از تاریخچه تروریسم آخوندها توجه کنید:

گروگانگیری و قتل اتباع خارجی در لبنان، انفجارهای سال ۱۳۶۲ در بیروت و کشتن ۲۴۱ نظامی آمریکایی و ۵۸ نظامی فرانسوی تحت نظارت پاسداری که بعداً وزیر دفاع آخوند روحانی رئیس جمهور کنونی رژیم شد،

کشتار مردم بیگناه در خیابان‌های پاریس در ۱۳۶۵،

کشتار زائران خانه خدا در مکه در ۱۳۶۶،

انفجار آرژانتین در ۱۳۷۳ با ۲۷۵ کیلو مواد انفجاری در مرکز یهودیان با ۸۸ کشته و ۱۵۱ زخمی، انفجار خوبر در ۱۳۷۵ که ۱۹ نظامی آمریکایی را کشت و ۵۰۰ نفر را زخمی کرد. این‌ها علاوه بر ده‌ها فقره هواپیمارمایی و جنایت‌های تروریستی دیگر است.

اما از سال ۱۳۸۲ و بعد از جنگ در عراق و اشغال خرنده این کشور توسط آخوندها، ما دیگر با ماکروتروریسم روبه‌رو شدیم. از این نظر بیلان آخوندها در افغانستان، یمن، لبنان و بیش از همه در سوریه و عراق هولناک است. انفجارهای تروریستی در میان جمعیت‌های انبوه، تخریب مراکز مذهبی یا مدارس، ترور متخصصان و دانشمندان، آدم‌ربایی، مثله‌کردن، تحمیل جابه‌جایی اجباری و آواره کردن میلیون‌ها نفر که هر کدام ابعاد شوکه‌کننده‌ی دارد. فقط به آمار مربوط به نیروهای آمریکایی اشاره می‌کنم که سپاه پاسداران به‌طور مستقیم، دست کم باعث مرگ ۶۰۸ نظامی آمریکایی در عراق بوده است. می‌توانید حدس بزنید که در داخل ایران، بر زنان ایران و بر ملیت‌ها و بر پیروان سایر ادیان چه گذشته است.

یک نمونه‌اش جنایت موحش حجاریان مشاور آخوند خاتمی رئیس‌جمهور قبلی رژیم

”

پایان تروریسم از پایان رژیم جدایی‌ناپذیر است. اما می‌توان با برخی تدابیر و اقدامات سیاسی و تاکتیکی آن را لااقل در خاک اروپا مهار و متوقف کرد. در سال ۱۹۹۴، در سالگرد صدور فتوای ترور سلمان رشدی، جواد لاریجانی، تروریسم دولتی آخوندها را تحت عنوان «نوع جدیدی از قدرت» تئوریزه می‌کرد که همانا گروگانگیری و صدور حکم قتل اتباع خارجی است.

و نظریه پرداز اصلاح طلبان قلابی بود. مدیرکل رادیو و تلویزیون رژیم از جناح رقیب در مورد او گفت: او حجابیان «در همین شیراز یکی از منافقین [اعضا مجاهدین] را بازجویی می کرد، این آدم را به درخت بست و دستش را با طناب به تراکتور بست و با تراکتور حرکت کرد تا بازوی این فرد کنده شد...»

این ها شیوه های رژیمی است که بیش از ۴۰ سال است خود را با سرکوب و تروریسم حفظ کرده است. اما باید بگویم که شیطان سازی هم آن روی سکه تروریسم و زمینه ساز و هموارکننده راه آن است.

چرا آخوندها به این رسوایی ها تن می دهند؟

زیرا چنان که مسعود گفته است: «اگر روزی رژیم از صدور ارتجاع و تروریسم به خارج از ایران دست بردارد و به داخل مرزهای ایران محدود شود، ... رژیم آخوندی از درون فرو می ریزد و متلاشی می شود».

می دانید که در دو سال اخیر، رژیم آخوندها به طرح ها و عملیات تروریستی متعددی دست زده است. دو طرح تروریستی که رژیم در بهار و سپس تابستان ۹۷، علیه مقاومت ایران تدارک دیده بود، بزرگترین طرح های تروریستی تاریخچه ۴۰ ساله این رژیم در اروپاست.

در سال ۹۷ وقتی که سران رژیم ایران، یک کشتار تروریستی علیه گردهمایی ایران آزاد در پاریس را طراحی کردند. تروریست ها با بمبی که قرار بود منفجر کنند، توسط پلیس بلژیک توقیف شدند. دیپلمات رژیم که بمب را در دست آن ها گذاشته بود، بیش از دو سال است که در زندان بسر می برد.

هفته پیش محاکمه این دیپلمات و سه همدستش در بلژیک شروع شد. این نخستین بار است که یک دیپلمات در اروپا به خاطر مشارکت مستقیم در تروریسم محاکمه می شود. دیپلمات دستگیر شده رژیم با استفاده از امکانات دیپلماتیک، اجرای این طرح را تحت نظارت مقامات بالاتر وزارت اطلاعات و خامنه ای و روحانی به عهده داشت.

این نشان می دهد که رژیم، همین مقاومت و همین آلترناتیو دمکراتیک را تهدید اصلی موجودیت خود می داند و برای مقابله با آن از ارتکاب هیچ جنایتی رویگردان نیست. به نحوی که مقام های رسمی خودش را هم برای نقل و انتقال بمب به صحنه می فرستد.

درست شش روز پس از شروع قیام دی ۹۶، پاسدار شمخانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم گفت: مجاهدین «پاسخ مناسب از ایران را از جایی که نمی‌دانند، دریافت خواهند کرد». یعنی آخوندها برای مهار قیام‌ها، نیروی رهبری‌کننده آن را نشانه گرفتند.

از قرار معلوم، رژیم قصد داشت پس از انفجار تروریستی در گردهمایی مقاومت، مدعی شود که این انفجار توسط خود مجاهدین صورت گرفته و نتیجه اختلاف درونی آنهاست. به‌همین منظور، از مدتی پیش از همین طرح، مزدوران اطلاعات بدنام رژیم در اروپا، یک کارزار پخش دروغ درباره قتل‌های مشکوک در درون مجاهدین راه انداخته بودند.

دوستان گرامی،

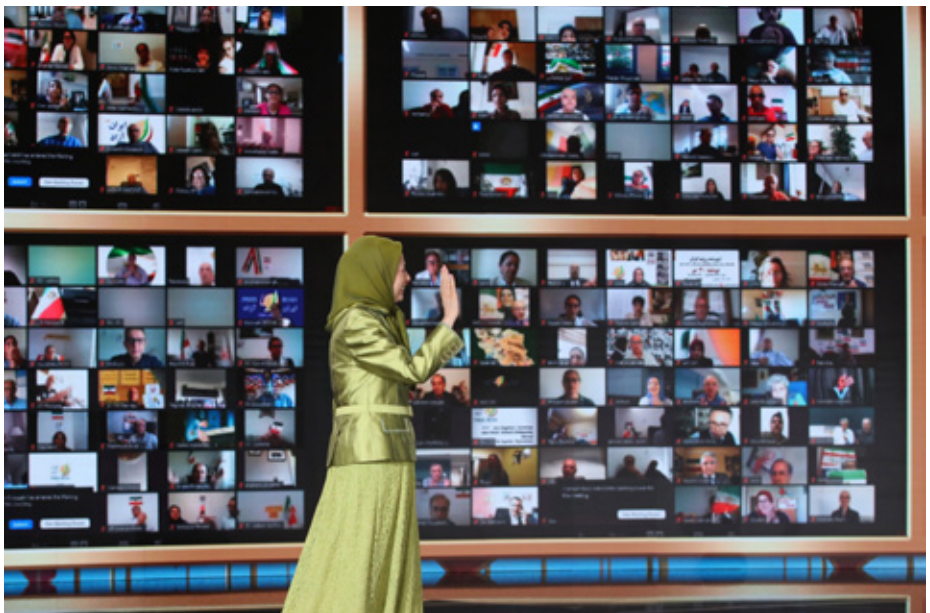
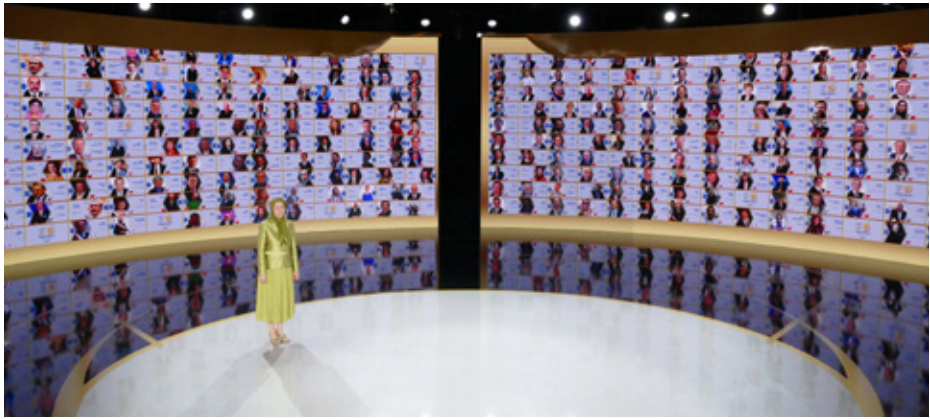
اکنون که پرونده یکی از طرح‌های تروریستی بزرگ رژیم در یک دادگاه اروپایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، فرصت مناسبی است که به چند سوال پایه‌یی در این خصوص بپردازیم.

اول این که سیاست اشتباه و سیاست صحیح در قبال تروریسم این رژیم چیست؟
دوم: مهم‌ترین شگردهای این رژیم برای ارتکاب عملیات تروریستی چیست؟
و سرانجام این که چه اقدام‌هایی باید در برابر آن در پیش گرفت؟

اشتباهات فاجعه‌بار دولت‌های غرب

دولت‌های غرب تا به حال اشتباهات فاجعه‌باری در این خصوص داشته‌اند؛ از جمله درست همان‌گونه که رژیم خواسته، تروریسم‌اش را به حساب قدرت رژیم گذاشته‌اند. حال آن که همواره میان بالا گرفتن قیام‌ها و تشدید معضلات اجتماعی و اقتصادی رژیم با رو آوردن‌اش به تروریسم، یک رابطه مستقیم وجود داشته است.

اشتباه دیگر، مماشات دولت‌های غرب با رژیم در سال‌های گذشته است. در حقیقت این نه قدرت رژیم، بلکه سیاست مماشات بود که توسعه تروریسم و بنیادگرایی رژیم را ممکن کرد. آخوندهای حاکم هم هر نوع مماشات و چشم‌پوشی دولت‌های غرب را تا به حال به معنی ضعف آن‌ها تعبیر کرده، به تهاجم هرچه بیشتر ترغیب شده‌اند.



اشتباه دیگر، این انتظار واهی بود که گویا فاشیسم مذهبی، با دریافت امتیاز و مشوق، روزی از تروریسم دست می‌کشد. یا این که گویا از اردوی وحوش حاکم، میانه‌روهایی سر برمی‌دارند و آن را به‌اصلاح و اعتدال می‌کشانند. رژیم البته، مشتی آدم‌کش منفور را با ماسک اصلاح‌طلبی روی صحنه آورد، همه مشوق‌ها را هم بلعید، اما از تروریسم دست نکشید.

سیاست صحیح در مقابل رژیم آخوندها چیست؟

اما سیاست صحیح چه بود و چیست؟ سیاست صحیح در یک کلمه خلاصه می‌شود: قاطعیت؛ یعنی بستن قاطعانه همه زمینه‌های فعالیت تروریستی رژیم و واکنش قاطعانه به‌هریک از طرح‌های جنایت‌بارش.

حال به‌دومین سوال می‌پردازیم: فاشیسم مذهبی از چه شگردها و تاکتیک‌هایی برای پیشبرد اهداف تروریستی در اروپا استفاده می‌کند؟

روشن است که از امکانات قانونی، دیپلماتیک، بانکی و تکنولوژیک کشورهای غرب و شرایط دموکراتیک آن‌ها سوءاستفاده می‌کند. از سکوت دولت‌های غرب سود می‌برد تا اعمال تروریستی خود را انکار کند.

با همکاری‌های اطلاعاتی فریبکارانه، سرویس‌های امنیتی غرب را اغوا می‌کند و از مراوده با آن‌ها برای حفاظت تروریست‌های خود استفاده می‌کند.

مأموران خود را مخالف سیاسی و تحرکات جاسوسی و تروریستی خود را تحت عنوان مخالفت با مجاهدین رنگ‌آمیزی می‌کند.

و سرانجام این توهم را دامن می‌زند که گویا اگر دولت‌های غرب قاطعیت نشان دهند، قیمت سنگینی خواهند پرداخت. اما در همین دو سال اخیر جهان شاهد بود که این

”

دولت‌های غرب تا به‌حال اشتباهات فاجعه‌باری در مورد رژیم ایران داشته‌اند؛ از جمله درست همان‌گونه که رژیم خواسته، تروریسم‌اش را به‌حساب قدرت رژیم گذاشته‌اند. حال آن که همواره میان بالا گرفتن قیام‌ها و تشدید معضلات اجتماعی و اقتصادی رژیم با رو آوردن‌اش به تروریسم، یک رابطه مستقیم وجود داشته. اشتباه دیگر، مماشات دولت‌های غرب با رژیم در سال‌های گذشته است.



رژیم در مقابل اقدام شجاعانه دولت آلبانی و اخراج سفیر رژیم از این کشور، اخراج دیپلمات‌هایش از فرانسه و هلند، دستگیری دیپلماتش در آلمان و هم‌چنین هلاکت سردمدار نیروی تروریستی قدس، مجبور شده است دست و پایش را مقداری جمع کند و محتاط‌تر حرکت کند.

پس نتیجه می‌گیریم که باید با قاطعیت در مقابل این رژیم ایستادگی کرد. تروریسم رژیم، در سایه سکوت، کتمان، تجاهل، چشم بستن و به‌روی خود نیاوردن رشد و نمو پیدا می‌کند. زمان آن است که این بی‌اعتنایی‌ها نسبت به امنیت و صلح مردم جهان، متوقف شود. هم‌چنان که در ابتدا گفتم، تروریسم جان‌مایه و ذاتی این رژیم و از آن جدایی ناپذیر است.

فراخوان به دولت‌های جهان

بنابراین پایان تروریسم از پایان رژیم جدایی ناپذیر است. اما می‌توان با برخی تدابیر و اقدامات سیاسی و تاکتیکی آن را لااقل در خاک اروپا مهار و متوقف کرد. به این منظور:

۱ - تمام مزایا و امکاناتی که این رژیم برای اعمال تروریستی‌اش در خاک اروپا استفاده می‌کند، باید از آن سلب شود. سفارت‌های این رژیم باید تعطیل شود.

اداره فدرال حراست از قانون اساسی آلمان در ژوئن ۲۰۱۹ اعلام کرد: «در آلمان شعبه وزارت اطلاعات مستقر در سفارت ایران در برلین، نقش مهمی در جاسوسی

توسط سرویس مخفی دارد. این نمایندگی به جز اقدام به عملیات اطلاعاتی مستقل، از فعالیت‌هایی که توسط مرکز وزارت اطلاعات هدایت می‌شوند نیز پشتیبانی به‌عمل می‌آورد».

اکثریت کنگره آمریکا در قطعنامه‌یی در ماه ژوئن امسال، از دولت‌ها خواسته‌اند که از فعالیت‌های مخرب هیئت‌های دیپلماتیک رژیم ایران جلوگیری کنند و سفارت‌خانه‌های این رژیم از جمله سفارت رژیم ایران در آلبانی را تعطیل کنند.

۲ - شرکت‌های پوششی، مراکز فرهنگی و آموزشی، انجمن‌های مذهبی و به‌اصطلاح مساجدی که توسط رژیم ایران تأمین مالی و حمایت می‌شوند و همگی مراکز پشتیبانی جاسوسی و تروریسم رژیم‌اند، باید افشا و بسته شوند.

۳- هرگونه تبادل مالی بین‌المللی افراد وابسته یا شرکت‌های پوششی اطلاعات آخوندها و نیروی قدس، باید به‌کلی متوقف شود.

۴ - عوامل و مزدوران رژیم که تحت پوشش فعالیت‌های تجاری، فرهنگی، مذهبی یا در لباس خبرنگار، یا با ماسک مخالف و پناهنده و سیتی‌زن عمل می‌کنند باید از کشورهای اروپایی اخراج شوند.

۵ - دولت‌های غرب باید سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی خود را از مرادده و تماس با وزارت اطلاعات بدنام رژیم و نیروی تروریستی قدس که راه را برای ورود مزدوران رژیم باز می‌کند، برحذر دارند.

۶- اخبار طرح‌ها و عملیات و اقدامات تروریستی رژیم، اسامی مزدوران و عوامل وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس در اروپا و اسامی موجودیت‌های پوششی و لابی‌های این رژیم، باید بدون هرگونه ملاحظه تجاری و دیپلماتیک، منتشر و به‌اطلاع همگان برسد.

”

تروریسم رژیم، در سایه سکوت، کتمان، تجاھل، چشم بستن و به‌روی خود
نیابردن رشد و نمو پیدا می‌کند.

هر قاطعیت و هر قدمی علیه رژیم در هر کجای جهان، یاری رساندن به مبارزه
مردم ایران برای سرنگونی رژیم و در خدمت صلح و امنیت بین‌المللی است.



۷ - ما از همه مجالس قانون‌گذاری اروپا و آمریکا می‌خواهیم قوانین نافذی برای اخراج عوامل وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران از کشورهای خود تصویب کنند. امیدوارم که همه دولت‌ها به این فراخوان پاسخ مثبت بدهند، زیرا منافع خود آن‌ها و امنیت مردم‌شان در گروی این قاطعیت و اقدامات است. آنچه مردم و مقاومت ایران از این دولت‌ها خواسته و می‌خواهند ایستادگی در برابر یک تروریسم غدار دولتی و نخستین حامی و بانگذار تروریسم بین‌المللی است. زمان آن است که بی‌اعتنایی‌ها به سرنوشت و امنیت و صلح مردم جهان متوقف شود. هر قاطعیتی علیه این رژیم و هر قدمی علیه رژیم در هر کجای جهان، یاری رساندن به مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم و در خدمت صلح و امنیت بین‌المللی است. از همه شما متشکرم.

”

آنچه مردم و مقاومت ایران از دولت‌ها خواسته و می‌خواهند ایستادگی در برابر یک تروریسم غدار دولتی و نخستین حامی و بانگذار تروریسم بین‌المللی است. زمان آن است که بی‌اعتنایی‌ها به سرنوشت و امنیت و صلح مردم جهان متوقف شود.



شورای ملی مقاومت ایران جایگزین دمکراتیک و راه حل برای آینده ایران

سخنرانی مریم رجوی در اجلاس سه روزه شورای ملی مقاومت

به مناسبت آغاز چهلمین سال تاسیس شورا



اجلاس سه روزه شورای ملی مقاومت ایران در آغاز چهلمین سال تأسیس شورا

اجلاس سه روزه شورای ملی مقاومت ایران که از پنجشنبه ۲ مرداد آغاز شد و در ۴۴ نقطه در ۱۱ کشور فرانسه، آلمان، انگلستان، آمریکا، سوئد، نروژ، اتریش، هلند، بلژیک، ایتالیا و آلبانی جریان داشت، در بامداد یکشنبه ۵ مرداد به پایان رسید.

در اجلاس نهایی خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، به مناسبت آغاز چهلمین سال تأسیس شورا سخنانی ایراد کرد که متن آن را در صفحات پیش رو می‌خوانید.

در اجلاس شورا تحولات و رخداد‌های میهن‌مان به ویژه پس از قیام آبان در عرصه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی و تبادل نظر قرار گرفت. شورا همچنین گزارش‌های گردهمایی جهانی ایران آزاد را که در ارتباط زنده بین سی هزار نقطه در ایران و بیش از صد شهر جهان با شرکت هزار شخصیت سیاسی از کشورهای مختلف برگزار گردید، مورد بحث قرار داد و بازتاب‌ها و تأثیرات آن در داخل ایران و در سطح بین‌المللی را بررسی کرد. در اجلاس شورا ۵۰ تن از اعضا در باره تاریخچه ۴۰ ساله شورا و پایداری و مرزبندی‌های سیاسی یگانه جایگزین دموکراتیک در یکی از بغرنج‌ترین و متلاطم‌ترین مقاطع تاریخ ایران سخن گفتند. در این اجلاس ۸۲ تن از ناظران و هم‌پیمانان شورا شرکت داشتند و شماری از آنان سخنانی ایراد کردند.



اعضای محترم شورای ملی مقاومت!

شخصیت‌ها و دوستان ارجمند و گرامی که به‌عنوان ناظر در سومین روز اجلاس شورا در جلسه ما حضور دارید، به شما خوشامد می‌گوییم و به یکایک شما و تلاش‌هایتان برای آزادی مردم و میهن در این اجلاس از سلسله گردهمایی‌های کهکشان امسال درود می‌فرستم.

اجازه بدهید از جانب شما و همراه با شما، آغاز چهلمین سال حیات شورای ملی مقاومت را به مردم ایران تهنیت بگوییم که از رنج و شکنجه ۱۲۰ ساله و از خون دل نسل‌های پی‌درپی خود، امکان برپایی و ماندگاری یک جایگزین دموکراتیک را فراهم ساخته‌اند.

جامعه ایران، تاریخ ایران و انقلاب‌ها و جنبش‌هایی که از مشروطه تاکنون، در جوش و خروش بوده‌اند، استعداد خلق جایگزینی از خود مردم و برای حاکمیت مردم را امکان‌پذیر کرده‌اند. اما رساندن این استعداد به یک واقعیت سیاسی و مادی جز با یک رهبری ذیصلاح و جز با رنج و تلاش بسیار ممکن نبود و این نقش‌آفرینی شایسته‌یی است که مسعود با موفقیت عظیمی به‌اثبات رسانده و از این راه کل جنبش مقاومت را آینده‌دار کرده است.



بله، شرایط تاریخی برای شکل‌گیری آلترناتیو دموکراتیک وجود داشت، اما نه پایه‌گذاری آن مفت و رایگان بود، نه ماندگاری و اعتلایش ساده و ارزان. در آغاز چهلمین سال تأسیس شورا، ابتدا خاطره شهیدان بزرگی مثل شکرالله پاکنژاد را گرامی می‌داریم که از نخستین مشوقان شورا بود. او از اوائل اردیبهشت ۶۰ که نشریه مجاهد انتشار صفحات ویژه «شورا» را آغاز کرد، این کار را ستود و شورا را «محوری برای تجمع نیروهای انقلاب» خواند.

و یاد نویسندگان بزرگ غلامحسین ساعدی را گرامی می‌داریم که در ماهنامه شورا مقاله و مطلب می‌نوشت، هم‌چنین هنرمندان نامدارمان مثل خانم مرضیه، عماد رام، آندرانیک، منوچهر سخایی، استاد عالیوندی، منصور قدرخواه و محمدسیدی کاشانی. از یاد نمی‌بریم شهیدان والایی مانند دکتر کاظم رجوی و محمد حسین نقدی را که

”

اجازه بدهید آغاز چهلمین سال حیات شورای ملی مقاومت را به مردم ایران تهنیت بگوییم که از رنج و شکنجه ۱۲۰ ساله و از خون دل نسل‌های پی‌درپی خود، امکان برپایی و ماندگاری یک جایگزین دموکراتیک را فراهم ساخته‌اند.

در شمار نمایندگان شورا بودند. اعضای صدیق و پرسابقه شورا مانند مهندس یزدان حاج حمزه و مهندس صمد ساجدیان و مهندس حسین شهیدزاده (کاک حسام) و خواهرانم بتول رجایی و زهرا مهرصفت. و مسئولان صدیق کمیسیون‌های شورا، ابراهیم ذاکری و محمدعلی جابرزاده و شهید گیتی گیوه‌چینیان و ده‌ها عضو صدیق و شهید دیگر شورا مانند زهرا رجبی، حسین ابریشمچی و زهره قائمی که در حملات تروریستی یا در قتل‌عام‌های اشرف و لیبرتی و یا محاصره جنایتکارانه جان باختند. هم‌چنین یاد مرجان شورشگر و معصومه جوشقانی عزیز را گرامی می‌داریم که هر دو زندانیان مقاوم سیاسی در شکنجه‌گاه‌های خمینی بودند. سلام بر آن‌ها که تا آخرین دم حیات به عهد خودشان وفا کردند. یکایک آن‌ها بخشی از افتخارات ما، مردم ما و تاریخ ما هستند.

وخامت اوضاع رژیم و آتشفشان آماده فوران قیام‌ها

با تلخکامی و تأسف بسیار این اجلاس شورا در شرایطی برگزار می‌شود که آمار جانگداز قربانیان در داخل میهن اشغال‌شده، دستکم ۷۶ هزار نفر است. مقاومت ایران به درستی اعلام کرده بود که خامنه‌ای و روحانی برای سد بستن در برابر خطر قیام و سرنگونی، استراتژی اجساد و کلان تلفات انسانی را در پیش گرفته‌اند. آن‌ها کرونا را فرصت و نعمت و متحد خود علیه مردم ما و منجی رژیم‌شان می‌پندارند. حالا می‌بینیم که داد نماینده خودشان هم در مجلس ارتجاع از گنبد کاووس در آمده و می‌گوید: انگار قسم خورده‌اند که

”

چنان که در طرح ده ماده‌یی این مقاومت آمده از سال‌ها پیش خواهان لغو حکم اعدام شده‌ایم و بر آن تأکید داریم و همه هموطنان مان را به اعتراض هرچه گسترده‌تر علیه این مجازات ضدانسانی به‌خصوص در مورد جوانان مبارز و مجاهد و دستگیرشدگان قیام فرا می‌خوانیم.



تمام مردم را بکشند.
 آن‌ها می‌خواهند مردم را مایوس و سرخورده و منفعل کنند. اما جامعه ایران نشان داد که مغلوب نمی‌شود.
 صدور حکم اعدام سه تن از جوانان دستگیرشده در قیام آبان، بر اساس دستور خامنه‌ای و خشم و اعتراض میلیون‌ها نفر در داخل و خارج ایران و سپس خیزش هموطنان مان در بهبهان، آمادگی اجتماعی برای قیام و سرنگونی را نشان داد و این‌که جامعه ایران در هر فرصتی برای قیام حاضر حاضر می‌گوید.
 ما هم چنان که در طرح ده ماده‌یی این مقاومت آمده، از سال‌ها پیش خواهان لغو حکم اعدام شده‌ایم و بر آن تأکید داریم و همه هموطنان مان را به اعتراض هرچه گسترده‌تر علیه این مجازات ضدانسانی به‌خصوص در مورد جوانان مبارز و مجاهد و دستگیرشدگان قیام فرا می‌خوانیم. زندانیان سیاسی باید آزاد شوند و ما باز هم مجامع بین‌المللی و دولت را فرا می‌خوانیم که رژیم آخوندی را برای آزادی زندانیان سیاسی تحت فشار بگذارند.
 بله، آخوندها نتوانسته و نخواهند توانست جامعه ما را مغلوب ارباب و اختناق کنند. آبان آتشین در خون فرو رفت؛ ولی از پا نیفتاد. بهبهان و ماهشهر و شیراز و کرمانشاه و شهریار سرخ فام شدند، اما هم‌چنان مترصد شورش‌اند.

علاوه بر این، رژیم آخوندی در ماه‌های اخیر با زنجیره‌یی از شکست‌ها هم مواجه است:

شکست انتخابات نمایشی که حتی مطابق آمار مهندسی‌شده رژیم، پایین‌ترین درصد مشارکت در ۴۰ سال اخیر را داشته است. و شکست در جلوگیری از گسترش کانون‌های شورشی که به‌رغم همه دستگیری‌ها و سرکوب‌ها، عملیات و فعالیت بی‌وقفه آن‌ها ادامه دارد.

مبارزه پیگیر و خستگی‌ناپذیر مجاهدین، جانفشانی اعضای کانون‌های شورشی، و نقش هدایت‌کننده مسئول شورا در سمت‌دادن به نیروی جنگنده ضد رژیم و جوانان قیام‌آفرین، نتایج درخشانی در اعتلای مقاومت ما در این دو سال داشته است. امروز تمام وحشت رژیم این است که آتشفشان قیام، دوباره از یک شکاف فوران کند و سراسر کشور را فراگیرد. واقعیت وحشتناک برای رژیم این است که دستگاه سرکوب، شکننده و بی‌پشتوانه شده است.

مماشات دولت‌های غرب با رژیم، به‌میزان زیادی تغییر کرده و حفاظت و نوازش آخوندها جای خود را به‌لیست‌گذاری و تحریم داده است. هم‌چنین هلاکت سردرّخیم قاسم سلیمانی، علاوه بر وارد کردن یک ضربه جبران‌نشده به نیروی سرکوب و تروریسم، تأثیر روانی عظیمی بر پاسداران به‌جا گذاشته است.

در این اوضاع، رژیم برای نجات خود با همان استراتژی اجساد، گرد مرگ و یأس در جامعه می‌پاشد تا راه قیام را ببندد. هم‌زمان برای تأمین هزینه‌های خود با گران کردن نان و برق و بنزین و گازوئیل پی‌درپی دست در جیب مردم می‌کند و در عین حال به‌قراردادهای وطن‌فروشانه با طرف‌های خارجی رو آورده یا چشم‌انتظار انتخابات آمریکا است تا شاید سیاست امتیازدادن به رژیم احیا شود. اما آتشفشان آماده فوران در دل جامعه و فرسایش شدید بنیادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم، اوضاع

”

ما هم چنان که در طرح ده ماده‌یی این مقاومت آمده از سال‌ها پیش خواهان لغو حکم اعدام شده‌ایم و بر آن تأکید داریم و همه هم‌وطنان مان را به‌اعتراض هرچه گسترده‌تر علیه این مجازات ضدانسانی به‌خصوص در مورد جوانان مبارز و مجاهد و دستگیرشدگان قیام فرا می‌خوانیم



حکومت را به چنان وخامتی رسانده که دیگر امدادهای غیبی هم نمی‌تواند نجاتش بدهد.

این درس تاریخ را هم نباید از یاد برد که وقتی رژیم شاه در شرایط سرنگونی قرار گرفت، با وجود برخورداری از حمایت‌های گسترده دولت‌های غرب، در مقابل عزم مردم ایران دوام نیاورد.

مقاومت ایران در چنین شرایطی، با برگزاری بزرگترین گردهمایی اینترنتی جهان، همین عزم جزم مردم ایران را بازتاب می‌کند و آن را رو در روی آخوندهای مرگ‌آفرین و ضدبشر جلا و صیقل می‌دهد. این مقاومت پیام‌آور ایستادگی و شور زندگی و پیشرفت و پیروزی در سخت‌ترین شرایط است.

نه شاه نه شیخ

امروز که ۳۹ سال از حیات و فعالیت شورای ملی مقاومت را پشت سر داریم، اجازه بدهید با این سوال بر نقش حقیقی این جایگزین در جامعه و تاریخ ایران متمرکز شویم که:

- شورای ملی مقاومت چه تضادهای اساسی را در مبارزه تاریخی میان مردم ایران و رژیم ولایت فقیه حل کرده است؟ و برای آینده پس از سرنگونی رژیم چه بنیادها و

سنگ‌بناهایی را تأسیس کرده که مانع بازگشت دوباره کشور به دیکتاتوری و ارتجاع و وابستگی شود؟

در یک قرن گذشته دو جریان اساسی به موازات هم در حال پیدایش و رشد بوده‌اند: جریان اول، یک نظام به‌شدت مستبد است که رژیم‌های سلطنتی و آخوندی به‌رغم تفاوت ماهوی فاحش خود، در بنای آن همدست بوده‌اند و جریان دوم، برپایی یک جایگزین از درون جبهه مردم و برای حاکمیت آزادی و جمهور مردم است. این چکیده تاریخ سیاسی یک صد سال اخیر است.

مرور این تاریخ، نتیجه مهم دیگری را هم به‌دست می‌دهد:

این که الگوی سلطنت که الگوی وابستگی و استبداد است، شکست خورد. الگوی ولایت فقیه نیز که الگوی استبداد دینی است، شکست خورده است؛ استبداد سیاه رضاخانی ایران را در ورطه اشغال متفقین رها کرد، دیکتاتوری پسرش به حاکمیت ارتجاع مذهبی منجر شد، خمینی ایران را با جنگ هشت ساله و با قتل عام و نسل‌کشی جنون‌آسا در هم کوبید و خامنه‌ای ایران را در جنگ‌های منطقه‌یی و در سرکوب و گرسنگی و بیماری فرو برد.

پس هر دو الگو شکست خورده‌اند و راه حل، همین شورا است که از نفی وابستگی و نفی استبداد دینی سربرداشته است. همه می‌دانیم که شالوده شورای ملی مقاومت ایران از روز اول، «نه شاه، نه شیخ» بوده است. مرزبندی «نه شاه، نه شیخ» یعنی نفی نظام‌هایی که بر شکنجه و کشتار و غارت و وطن‌فروشی و بر محروم سازی مردم استوارند.

در مقابل دو دیکتاتوری شاه و شیخ، شورای ملی مقاومت بر اصل آزادی‌ها و حاکمیت مردم استوار شده است. یعنی:

رأی و انتخاب آزادانه یکایک مردم، آزادی و دموکراسی، برابری زن و مرد، خودمختاری ملیت‌ها، حقوق بشر، مشارکت مردم در سرنوشت خودشان، عدالت اجتماعی و اقتصادی و هم‌چنین همبستگی ملی. همه این‌ها موضوع نبرد ما با ارتجاع حاکم از شروع حکومت خمینی تا امروز است.



انتقال حاکمیت به مردم ایران

در انقلاب مشروطه وقتی که مردم برای اعتراض به خیابان‌ها آمدند، برای اولین بار کلمه ملت ایران را بر زبان آوردند. تمام مسأله شورا همین است. حاکمیت مردم. همان طور که می‌دانید اعضا و جریان‌های تشکیل‌دهنده این شورا از روز اول در برابر غصب حاکمیت مردم توسط خمینی ایستاده‌اند و از جمله به‌قانون اساسی ولایت فقیه رأی نداده‌اند.

شورا وظیفه خود را انتقال حاکمیت به مردم ایران می‌داند. برنامه شورا حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت توسط مردم را به رسمیت شناخته و اعلام کرده است که «احراز حاکمیت مردمی... ارزشمندترین ره‌آورد مقاومت عادلانه مردم ایران است»^۱. و لازمه حاکمیت مردم، «تأمین و تضمین هر چه بیشتر وسایل، امکانات و طرق دخالت و مشارکت همه مردم در اخذ و اجرای تصمیمات است»^۲. در واقع روح اساسی برنامه شورا، چکیده طرح‌ها و مصوبات‌اش و مضمون مهم‌ترین

۱ - برنامه شورای ملی مقاومت

۲ - مقدمه طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران

موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌هایش در یک کلام، اصل حاکمیت مردم، به جای حاکمیت و ولایت شیخ و شاه است.^۳

استحاله‌ناپذیری رژیم و ضرورت سرنگونی

شورا در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های خود از شروع دهه ۶۰ تا به حال با تحلیل ماهیت رژیم و با استناد به تجربه‌های عینی نشان داده که رژیم ولایت فقیه نه استحاله‌پذیر است، نه اهل اصلاح، نه مذاکره‌پذیر است نه با صلح و صلح‌طلبی‌سنجی دارد. در سال‌های ابتدای دهه ۶۰، وقتی که عده‌یی برای توجیه روابط خود با رژیم، نغمه‌های استحاله‌پذیری را شروع کرده بودند، شورا اعلام کرد: هرگونه شبهه تحول‌پذیری و القای قابلیت اصلاح این رژیم همدستی با آن و خیانت به عالی‌ترین مصالح مردم ایران و آرمانهای آزادی‌خواهانه آن‌هاست. وقتی که خمینی مرد و رفسنجانی مانور میانه‌روی را شروع کرد، شورا اعلام کرد: «این رژیم نه «معتدل» و «میانه‌رو» خواهد شد و نه قادر خواهد بود به بازسازی کشور بپردازد و از تروریسم و ارتجاع دست بر دارد». پس از روی کار آمدن آخوند خاتمی هم شورای ملی مقاومت تصریح کرد: «نظام ولایت‌فقیه... ظرفیت رفرم، گشایش، اصلاح و استحاله ندارد» و داردسته‌های اصلاح‌طلب قلبی رژیم، هدفشان «چیزی جز طولانی‌تر کردن عمر همین رژیم پیرامون عمود خیمه نظام نیست».

۳- بیانیه سالانه شورا - ۳۰ تیر ۷۱

”

الگوی سلطنت که الگوی وابستگی و استبداد است، شکست خورد. الگوی ولایت فقیه نیز که الگوی استبداد دینی است، شکست خورده است. هر دو الگو شکست خورده‌اند و راه حل، همین شورا است که از نفی وابستگی و نفی استبداد دینی سربرداشته است.



برپایی جنبش صلح و طرح صلح شورا

یکی از بزرگ‌ترین خدمات شورای ملی مقاومت، برپایی جنبش صلح در کوران جنگ دیوانه‌وار خمینی با عراق بود. این جنگ یک میلیون کشته در طرف ایران بر جا گذاشت. ویرانی‌های این جنگ، هنوز که هنوز است بازسازی نشده و زخم و درد آوارگان آن التیام پیدا نکرده است.

شورا در اسفند سال ۱۳۶۰، در سند وظائف مبرم دولت موقت، «پایان بخشیدن فوری به جنگ ایران و عراق و برقراری صلح عادلانه بر اساس تمامیت ارضی و حقوق مردم ایران» را جزو وظائف خود اعلام کرد.

می‌دانید که پس از این که در سوم خرداد ۱۳۶۱ قوای عراقی خاک ایران را ترک کردند، در حالی که خمینی هم‌چنان به جنگ ادامه می‌داد، مسئول شورا با شجاعت پرچم صلح را برافراشت و با ریسک‌پذیری فوق‌العاده علیه جنگ شومی قیام کرد که خمینی با یک فریبکاری عظیم، آن را یک امر ملی و دینی جلوه می‌داد.

شورای ملی مقاومت جنبش دامنه‌داری را با شعار صلح و آزادی پیش برد و در اسفند همان سال، طرح صلح خود را به تصویب رساند. این طرح با تاکید بر قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و «مرزهای زمینی و رودخانه‌یی» مندرج در آن و با تاکید بر «ارجاع مسألهٔ تعیین خسارت‌های ناشی از جنگ به دیوان بین‌المللی لاهه...» منافع ملی ایران

را در بالاترین سطح تضمین می‌کرد. این طرح همان زمان به‌عنوان مبنای شروع گفتگوهای صلح، مورد استقبال دولت عراق قرار گرفت. اما رژیم آخوندی ۱۷ سال پس از سقوط دولت پیشین عراق، هنوز قادر به امضای چنین توافقی با دولت‌های تحت نفوذ خودش در عراق نشده است.

مصالح ملی ایران

از طرح صلح تا جنبش صلح و مبارزه بی‌وقفه با فعالیت مخفی رژیم برای ساختن بمب اتمی و افشای قراردادهای میهن‌بریاده این رژیم، همه جا شورا دفاع از منافع ملی را پیشروی خود داشته است.

از خرداد سال ۱۳۷۰ که هنوز کسی کم‌ترین توجه یا اطلاعی درباره پروژه‌های اتمی رژیم نداشت، شورا تلاش گسترده خود را برای افشای این پروژه‌ها شروع کرد و در سال‌های اول دهه ۱۳۸۰ با روشنگری‌های مستند خود، مخفی‌کاری ۱۸ ساله رژیم در برنامه بمب‌سازی هسته‌یی را درهم شکست. ما با شعار ایران غیراتمی گام‌های بلندی در این راستا برداشتیم.

شورا در بیانیه سالانه ۱۳۸۳ اعلام کرد: «ما به حکم احساس مسئولیت انسانی، ملی و میهنی و مواضع صلح‌طلبانه خود، به افشای مراکز مخفی، که حکومت آخوندی برای تولید بمب اتمی در شهرهای نظنز و اراک به‌وجود آورده بود، پرداختیم تا مراجع مسئول بین‌المللی از وقوع این فاجعه جلوگیری کنند.»

”

شورا وظیفه خود را انتقال حاکمیت به مردم ایران می‌داند. برنامه شورا حق تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت توسط مردم را به رسمیت شناخته و اعلام کرده است که «احراز حاکمیت مردمی... ارزشمندترین ره‌آورد مقاومت عادلانه مردم ایران است»

همبستگی ملی

یکی دیگر از مسائل اساسی که شورا موفق به حل آن شده، ایجاد یک ظرفیت دمکراتیک، برای ائتلاف و همکاری کسانی است که برای سرنگونی رژیم مبارزه می‌کنند.

در این راستا شورا در سال ۱۳۸۱ طرح جبهه همبستگی ملی را از تصویب گذراند و اعلام کرد که آماده همکاری با همه نیروهای جمهوری خواهی است که با التزام به نفی کامل نظام ولایت فقیه و همه جناح‌ها و دسته‌بندی‌های درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت، مبارزه می‌کنند.

از آن پس نیز مقاومت ایران، هم چنان که مسئول شورا در روزهای پس از قیام دی ۱۳۹۶ اعلام کرد، «به دور از هرگونه تنگ‌نظری و پافشاری بر مواضع و برنامه و مصوبات خود، پیوسته به جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی فراخوان داده است».^۴

به خاطر اهمیت موضوع و ثبت درسینه تاریخ، در شرایطی که شورای ملی مقاومت در این ۴۰ سال با فاصله غیرقابل قیاس با سایرین، بالاترین و مؤثرترین نیروی ضد رژیم ولایت فقیه بوده و بالاترین رنج و رزم و خون و فدا را هم داشته، ببینید که باز همین شورا، تا کجا به خاطر همبستگی در چارچوب جبهه خلق، انعطاف نشان داده است. متن را عیناً از روی موضعگیری مسئول شورا در تاریخ ۱۶ دی ۹۶ می‌خوانم:

۴- اطلاعیه شماره ۴ ارتش آزادیبخش ملی ایران، ۱۶ دی ۱۳۹۶



شورا در سال ۱۳۸۱ طرح جبهه همبستگی ملی را از تصویب گذراند و اعلام کرد که آماده همکاری با همه نیروهای جمهوری خواهی است که با التزام به نفی کامل نظام ولایت فقیه و همه جناح‌ها و دسته‌بندی‌های درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت، مبارزه می‌کنند.



«شورای ملی مقاومت، به دور از هرگونه تنگ‌نظری و پافشاری بر مواضع و برنامه و مصوبات خود، پیوسته به جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی، فراخوان داده و اعلام کرده است که آماده همکاری با همه نیروهای جمهوری خواهی است که با التزام به نفی کامل نظام ولایت فقیه و همه جناح‌ها و دسته‌بندی‌های درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت، مبارزه می‌کنند».

جدایی دین و دولت

پاسخ این شورا به تجربه فاشیسم مذهبی و استبداد وحشی تحت نام اسلام، طرح رابطه دین و دولت است که در آبان سال ۱۳۶۴ توسط شورا به تصویب رسید.

”

پس از این که در سوم خرداد ۱۳۶۱ قوای عراقی خاک ایران را ترک کردند، در حالی که خمینی هم‌چنان به جنگ ادامه می‌داد، مسئول شورا با شجاعت پرچم صلح را برافراشت و با ریسک‌پذیری فوق‌العاده علیه جنگ قیام کرد

برنامه شورا دین اجباری و اجبار دینی را مردود می‌شناسد و هرگونه «استفاده از تبعیض و امتیاز و اجبار سیاسی و اجتماعی» در رابطه با اسلام را رد می‌کند. برنامه شورای ملی مقاومت در سال ۶۰ بر «تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی همه آحاد ملت» و ملغی‌شناختن «همه امتیازات جنسی و قومی و عقیدتی» تأکید دارد. البته نفس تشکیل همین شورا و مناسبات نیروهای آن، به معنای ارائه یک الگوی عملی از جدایی دین و دولت و یک جمهوری آزاد و برابر است. این طرح از یک طرف تصریح می‌کند که «هیچ دین و مذهبی را، به هیچ عنوان، دارای حق و امتیاز ویژه‌ی نمی‌شناسد»^۵، از طرف دیگر بر «آزادی ادیان و مذاهب» تأکید دارد.

این طرح، در ماده اولش تأکید می‌کند: «اعمال هرگونه تبعیض در مورد پیروان ادیان و مذاهب مختلف در برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی ممنوع است. هیچ یک از شهروندان به دلیل اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک دین یا مذهب در امر انتخاب شدن، انتخاب کردن، استخدام، تحصیل، قضاوت و دیگر حقوق فردی و اجتماعی مزیت یا محرومیتی نخواهد داشت» و ماده سوم آن تصریح می‌کند: «صلاحیت مقام‌های قضایی ناشی از موقعیت مذهبی و عقیدتی آنان نیست و قانونی که ناشی از مرجع قانون‌گذاری کشور نباشد، رسمیت و اعتبار نخواهد داشت».

در حقیقت شورا به حل مسأله‌ی موفق شده که در جریان مباحث متمم قانون اساسی مشروطه در مجلس اول سرباز کرد و همان موقع جبهه‌بندی بزرگی میان مشروطه‌خواهان و مدافعان حکومت قانون و دموکراسی از یک طرف و مشروطه‌خواهان و طرفداران شیخ فضل‌الله یعنی اسلاف آخوندهای حاکم از طرف دیگر، ایجاد کرد. مشروطه‌خواهی سرانجام به استبداد زیر پرده دین در حکومت ولایت فقیه انجامید که ۴۲ سال است مردم ایران با گوشت و پوست و استخوان آن را لمس می‌کنند.

درست در مقابل این استبداد دینی، سازمان مجاهدین به عنوان عضو همین شورا، اسلامی را نمایندگی می‌کند که آنتی‌تراجاع خمینی و جاهلیت و ارتجاعی است که او و رژیم ولایت فقیه نمایندگی کرده‌اند. وقتی در این شورا، جنبشی مانند مجاهدین

۵- طرح شورای ملی مقاومت در باره رابطه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران با دین

با این دیدگاه ترقی خواهانه، بر لغو هر گونه امتیاز در مورد پیروان هر دینی صحه می‌گذارد، طرح جدایی دین و دولت را از انواع عبارت‌پردازی‌های رایج واقعاً متمایز می‌کند و از پشتوانه جدی و عظیمی برخوردار می‌شود.

برابری زن و مرد

شورای ملی مقاومت، با یک مبارزه پیگیر و بی‌وقفه علیه ستم‌ها و نابرابری‌های فاجعه‌باری که به زنان ایران روا شده، طرح روشنی برای رفع این نابرابری‌ها، ارائه کرده است. این طرح که ۳۳ سال پیش به اتفاق آراء تصویب شده، بر قرار گرفتن زن ایرانی در جایگاه شایسته خود تاکید کرده که الهام‌بخش مبارزه زنان ایران برای کسب آزادی و برابری شده است. هم‌چنان که جایگاه زنان در این شورا و سازمان‌های عضو آن و ارتش آزادیبخش ملی ایران، فصل جدیدی در جایگاه زنان در کل جامعه ایران گشود. در نقطه مقابل، رژیم می‌است که به‌یاد دارید در آن سال‌ها در مجلس خود، حتی از قبول یک کمیسیون نمایشی زنان خودداری کرد و آن را به کمیسیون خانواده بدل کرد.

خودمختاری ملیت‌ها

یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که شورای ملی مقاومت از شروع تأسیس خود اکیداً مورد توجه قرار داده، خودمختاری ملیت‌های ستمزده است. البته از شروع حاکمیت خمینی، نیروهای تشکیل‌دهنده این شورا در مقابل سرکوب هموطنان کرد، عرب، ترکمن و سایر

”

شورا به طور خاص، یک طرح ۱۲ ماده‌یی برای خودمختاری کردستان ایران در سال ۶۲ تصویب کرد، که به‌رغم گذشت سه دهه، هنوز هم یکی از جامع‌ترین الگوهای جهانی است.



ملیت‌ها توسط این رژیم ایستادند. شورا در برنامه خود تأکید کرده که همه ملیت‌ها و همه شاخه‌ها و تنوعات ملی وطن‌مان باید از خودمختاری داخلی برخوردار باشند و تأکید می‌کند که حقوق و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آن‌ها در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی کشور باید تامین شود.

شورا به طور خاص، یک طرح ۱۲ ماده‌یی برای خودمختاری کردستان ایران در سال ۶۲ تصویب کرد، که به‌رغم گذشت سه دهه، هنوز هم یکی از جامع‌ترین الگوهای جهانی است.

الگویی برای یک ایران دمکراتیک

مسئول شورا از آغاز می‌گفت ما «می‌خواهیم الگویی را ارائه بدهیم که بر اساس آن تمامی مسائل‌مان در ایران پس از خمینی در یک فضای دمکراتیک و در یک راستای مردمی قابل حل و فصل باشد».^۶

شورای ملی مقاومت به این تعهد وفادار است که هدف‌اش نه کسب قدرت بلکه انتقال قدرت به مردم ایران است. طبق مصوبات شورا، دولت موقت بایستی حداکثر طی ۶ ماه

۶ - مسئول شورای ملی مقاومت، سخنرانی به‌هنگام تصویب طرح آزادی‌ها و حقوق زنان - ۴

از طریق یک انتخابات آزاد، مجلس موسسان و قانونگزاری ملی را تشکیل دهد. وظیفه «انتقال حاکمیت» تا آنجا که به دولت موقت مربوط می‌شود، به محض تشکیل «مجلس موسسان و قانونگزاری ملی»، پایان می‌پذیرد.

از دیگر ارزش‌ها و سنت‌های این شورا و منش دموکراتیک آن رعایت این قاعده است که تعادل قوا در مناسبات درونی خود را مردود شناخته و به جای آن قاعده «رأی متساوی» و «هر عضو یک رأی» را در پیش گرفته است. اعم از این که نماینده یک سازمان، مثلاً مجاهدین باشد یا یک شخصیت منفرد که به عضویت شورا پذیرفته شده است.

این روش در تاریخ ائتلاف‌های سیاسی بی‌سابقه است. زیرا هر ائتلافی بر اساس توازن قوای احزاب شرکت‌کننده‌اش شکل می‌گیرد، سپس همه تصمیم‌ها و توافق‌ها بر پایه همین توازن صورت می‌گیرد؛ در نتیجه نه فقط شخصیت‌های منفرد بلکه جریان‌های کوچک‌تر هم نقشی پیدا نمی‌کنند. و همه شما شاهد هستید که در طول این سالیان مسئول شورا، هرگز و هیچ‌گاه هیچ طرح و تصمیمی را بدون اقناع و به‌دست‌آوردن توافق سازمان‌ها و شخصیت‌های عضو شورا پیش نبرده است.

یعنی شورا در مناسبات درونی خود، اصل را بر بحث و اقناع گذاشته و در تصویب تمام طرح‌ها و مصوبات خود بدون استثنا از این اصل پیروی کرده است. مخصوصاً که ما در تبعید هستیم و دور از خاک میهن، حفظ ائتلاف و اتحاد و حرکت شورایی به واقع کار مشکلی است.

در برنامه شورا هم آمده است که علاوه بر عبور همگان «از بوته آزمایش نظرسنجی و انتخاب عمومی»، تا آنجا که امکان‌پذیر است، باید «شیوه بحث و اقناع عمومی و آزاد»^۷ در پیش گرفته شود.

۷- برنامه شورای ملی مقاومت، فصل سوم، ماده چهارم

”

پاسخ این شورا به تجربه فاشیسم مذهبی و استبداد وحشی تحت نام اسلام، طرح

رابطه دین و دولت است که در آبان سال ۱۳۶۴ توسط شورا به تصویب رسید.

برنامه شورا دین اجباری و اجبار دینی را مردود می‌شناسد و هرگونه «استفاده از

تبعیض و امتیاز و اجبار سیاسی و اجتماعی» در رابطه با اسلام را رد می‌کند.

شورای ملی مقاومت با ارائه یک برنامه پیشرو و طرح‌های پیشنهادی برای ایران آزاد فردا، سطح سیاسی و درجه ترقی‌خواهی جنبش مبارزاتی و جامعه ایران را اعتلا بخشیده است.

اعتبار و جدیت طرح‌ها و مصوبه‌های شورا از آن‌جاست که موضوع تعهد جنبشی است که پیوسته در حال مقاومت و نبرد در برابر رژیم آخوندیست و در برانگیختن نسل پیشرو جامعه ما به طرف یک چشم‌انداز رهایی‌بخش موثر بوده است.

همین مبارزه بی وقفه، دینامیسم ماندگاری شورا و اعتلای آن بوده و هست.

تاجایی که من می‌دانم شورا تنها نمونه در تاریخ سیاسی معاصر است که خروج، یا اخراج یا خیانت مدعیان یا پیوستن آن‌ها به اردوی رژیم را - مورد به‌مورد - با شفافیت کامل، در بیانیه‌ها، قطعنامه‌ها و نشریات و به‌خصوص گزارش‌های مسئول شورا با مردم ایران در میان گذاشته است. در این خصوص، ما هیچ‌گاه با هیچ‌کس و هیچ جریانی در این ۴۰ سال، شروع‌کننده نبودیم. بلکه همان‌طور که مسئول شورا بارها به مناسبت‌های مختلف گفته ما پایان‌دهنده مشکل ایجاد شده بوده‌ایم چرا که معیار یگانه ما نبردمان برای سرنگونی رژیم است.

به خصوص در مورد کسانی که با عبور از خط قرمزهای شورا در صدد راه‌پایی به نزد آخوندها بودند یا در دام وزارت اطلاعات افتادند و خود را به اصطلاح منتقد شورا و مجاهدین قلمداد کردند این هم از فرازهای این شورا در این سالیان بوده است. از قدیم گفته‌اند به‌آن صنعتگری اعتماد کنید که از سحر تا شام صدای پتک از کارگاهش قطع نمی‌شود. مردم ایران نیز به‌این مقاومت اعتماد می‌کنند زیرا چهل سال است یک سره طنین پتک‌های نبرد و پیکار این جنبش را می‌شنوند.

مسئول شورا، برای حراست از خون‌ها و رنج‌های مردم ایران و رشیدترین فرزندان‌شان، و برای تضمین آینده ایران، این جایگزین را پیشنهاد و پی‌ریزی و با آزمایش‌ها و رنج

”

شورای ملی مقاومت، با یک مبارزه پیگیر و بی‌وقفه علیه ستم‌ها و نابرابری‌های فاجعه‌باری که به زنان ایران روا شده، از ۳۳ سال پیش، طرح روشنی برای رفع این نابرابری‌ها، ارائه کرده است.

بسیار پایداری آن را در این ۴۰ ساله تضمین کرده و می‌کند. اعضای پایدار و پشتیبانان وفادار شورا هم در این چهار دهه نشان دادند که به این رسالت عمیقاً آگاهند و نشان داده‌اند که برای حفظ این جایگزین مستقل در برابر هیچ دولت و قدرتی کوتاه نمی‌آیند و کم‌ترین خدشه‌یی به آن را تحمل نمی‌کنند. نشان داده‌اند که برای نگاهبانی از مرزها و حصارهای مردم ایران در برابر تمامیت رژیم ولایت فقیه، هر قیمتی را پرداخته و می‌پردازند. نشان داده‌اند که در هر تلاطمی، در هر آزمایشی، در هر سختی و زیر هر فشاری، از تمرکز تمام عیار خود روی مبارزه برای سرنگونی رژیم دست بر نمی‌دارند و همه چیز را در کفه مبارزه و مقاومت برای آزادی می‌ریزند. به این دلیل است که اردوی دشمنان رنگارنگ مردم ایران به سردمداری آخوندها، این‌همه از شنیده شدن صدای این مقاومت وحشت دارند، به این دلیل است که در طنین صدای این مقاومت، ناقوس مرگ خود را می‌شنوند، به این دلیل است که خدم و حشم ولایت فقیه از هر واژه این مقاومت تا هر گردهمایی‌اش به خود می‌لرزند. این شورا در واقع فشرده و تاریخچه تکامل مبارزات ۴۰ ساله مردم ایران با آزمایش‌ها و نشیب و فرازهای بسیار است. این شورا بخشی از تاریخ ایران و در واقع چتر سیاسی نبرد خلق برای آزادی، استقلال، عدالت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است. تاریخ آینده ایران، در هر حال، جایگاه ویژه مسول شورا و حرکت عظیم او را ارج خواهد گذاشت و عمیقاً تحت تأثیر این جایگزین دموکراتیک و خدمات بزرگ آن برای پیشبرد آرمان آزادی و حاکمیت مردم است. شورای ملی مقاومت از روز اول تا امروز، با افتخار تمام پای این نبرد تاریخی ایستاده و می‌ایستد تا روز پیروزی و انتقال حاکمیت به مردم ایران. سخنانم را به مناسبت سالگرد نبردهای فروغ جاویدان با سرخ‌ترین درودها به جاودانه فروغ‌های آزادی، شهیدان فراموشی‌ناپذیر ملت ایران به پایان می‌برم. آن‌ها برای همان هدفی قیام و جانفشانی کردند که این شورا به خاطر آن تأسیس شد. و این رسالتی که مقاومت ما به آن متعهد است و آن را به‌اتکای مردم ایران، به پیروزی خواهد رساند.

از همه شما متشکرم.



شورای ملی مقاومت ایران فشرده و تاریخچه تکامل مبارزات ۴۰ ساله مردم ایران با آزمایش‌ها و نشیب و فرازهای بسیار است. این شورا بخشی از تاریخ ایران و در واقع چتر سیاسی نبرد خلق برای آزادی، استقلال، عدالت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است.

مریم رجوی



طرح ده ماده‌یی مریم رجوی برای آینده ایران

۳۰ خرداد ۱۳۹۹

۱- نه به ولایت فقیه، آری به حاکمیت مردم در یک جمهوری با رأی آزاد و کثرت‌گرا.

۲- آزادی بیان، آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و فضای مجازی، انحلال سپاه پاسداران، نیروی تروریستی قدس، لباسشخصی‌ها، بسیج ضد مردمی، وزارت اطلاعات، شورای انقلاب فرهنگی و همه گشت‌ها و نهادهای سرکوبگر در شهر و روستا و در مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و کارخانه‌ها.

۳- تضمین آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر. انحلال دستگاه‌های سانسور و تفتیش عقاید، دادخواهی قتل‌عام زندانیان سیاسی، ممنوعیت شکنجه و لغو حکم اعدام.

۴- جدایی دین و دولت، آزادی ادیان و مذاهب.

۵- برابری کامل زنان و مردان در حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و مشارکت برابر زنان در رهبری سیاسی، لغو هرگونه تبعیض، حق انتخاب آزادانه پوشش، ازدواج، طلاق، تحصیل و اشتغال. منع بهره‌کشی از زنان تحت هر عنوان.

۶- دادگستری و نظام قضایی مستقل طبق معیارهای بین‌المللی مبتنی بر اصل برائت، حق دفاع، حق دادخواهی، حق برخورداری از محاکمه علنی و استقلال کامل قضات. الغای قوانین شریعت آخوندی و بیدادگاه‌های انقلاب اسلامی.

۷- خودمختاری و رفع ستم مضاعف از اقوام و ملیت‌های ایرانی طبق طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران.

- ۸- عدالت و فرصت‌های برابر در اشتغال و در کسب و کار و بازار آزاد برای تمام مردم ایران. احقاق حقوق کارگر و دهقان، پرستاران، کارمندان، فرهنگیان و بازنشستگان.
- ۹- حفاظت و احیای محیط زیست قتل‌عام‌شده در حکومت آخوندها.
- ۱۰- ایران غیر اتمی، عاری از تسلیحات کشتار جمعی. صلح، همزیستی و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌یی.

